

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

تلگرام دکتر شاپور بختیار

به

دبیرکل سازمان ملل متحد

جناب آقای پرزدو کوئلاز، دبیرکل سازمان ملل متحد

اخیراً یک لایحه قانونی از طرف دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده شده که عملاً استقلال نظام پزشکی ایران را از میان می برد. تشاور رژیم به حقوق حرفه ای خود، دست به اعتصاب زده اند. حکومت در مقابل این حرکت اعتراضی عکس العمل شدیدی نشان داده و تعداد دکتوری از پزشکان را زندانی کرده است. در نتیجه این وضع، امور بهداشتی و درمانی مردم که بر اثر جنگ بی فوج و نابسامانی های ناشی از کمبود پزشک و دارو از مدت ها قبل در ایران مختل مانده بود، بیش از پیش وخیم شده است.

اینجا نب توجه خاص آن سازمان را به این مسئله خطیر جلب نموده و انتظار دارد که اعتباراً وقتاً رخود را برای احقاق حق پزشکان ایرانی و آزادی آن عده از ایشان که زندانی شده اند بکار گیرد.

شاپور بختیار

رونوشت به: - سازمان بهداشت جهانی - سازمان عفوبین المللی

قیام ملی ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱

خود رهبر نهضت ملی ایران میتوانیم دریا بیم. در جلسه علنی روز ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی گفت: "عمال انگلیس همه جا هستند: عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دربار، روبا لآخره در همه جا وجود دارد." ولی در او خربهار ۱۳۳۱ مصدق خیلی از مراحل مبارزه را با موفقیت طی کرده بود: در خرداد ماه ۱۳۳۰ از شرکت نفت انگلیس خلع ید شده بود. در شهریور ماه دولت انگلیس اصل ملی شدن نفت را، با پای درمیانی هریمن نماینده آمریکا به رسمیت شناخته بود. در مهر ماه کارشناسان انگلیسی از ایران اخراج شده بودند.

هادی بهزاد

تحولی در دیدها

وروش های مردم

گزارش ها می که از سر اسر کشور می رسند حاکی از این است که اشتغال از مرحله سی و مقام منفی به مقام مثبت، گسسه آمیخته با تعرض متقابل و ایستادگی حتی خشونت با دربرابر برتجا وزات عوام رژیم، تقریباً در همه جای آغاز شده است.

مفهوم "خطر کردن" و اصطلاح "دست از جان شستن" در ابعاد وسیعی مصداق عملی بقیه در صفحه ۴

نمی نشینند تا بتدریج و در فرصت مناسب زمینه را برای بازگشت وضع سابق فراهم سازند. دکتر مصدق از آغاز تشکیل اولین دولتش به این واقعیت کاملاً شاعر بود ولی ضروری می دید که در مبارزه ضد استعمار از نیروی همه قشرهای جامعه استفاده کنند و آنجا که اعتقاد و ایمان را سخ به قانون اساسی داشت، می خواست از زهرای موافق شدن نماینده مرتجع یا فتوای مجلس نا ندر هم و اعتبار و پایگاه فلان رجل شناخته شده، در مجلس، ولو متظاهر به همکاری برای رسیدن به هدفش بهره ببرد. ترتیب کار بینه اول مصدق که عتا صر قدیم می و اشراف کهنه مشکوک در آن شرکت داشتند مبین همین اندیشه استفا ده از تمام نیروها برای مبارزه با استعمار است. این واقعیت تلخ ولی لازم را از کلام

دربهار سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق به فکر آن افتاده بود که مبارزه را از جنبه نبرد خارجی بداخل بکشاند. زیرا با تجربه یک سال زمانداری و مبارزه سرسختانه به این نتیجه رسیده بود که پیروزی نهائی در مبارزه با استعمار بدون برداشتن موانعی که رتجاج و فتوای لیسم داخلی با پشتیبانی قدرت استعمارگر، بر سر راه مبارزه ایجاد می کردند، مقدور نخواهد بود.

در یک ساله اول حکومت او حتی عوامل و ایادی شناخته شده شرکت سابق نفت و دولت انگلستان چاره ای جز آن ندیده بودند که به پیروی و تحت فشار افکار عمومی خود را با نهضت ملی شدن نفت هم آهنگ نشان دهند. اما یقین بود که این عده که همه چیز خود را از برکت اوضاع سابق بدست آورده بودند از بسبب

جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

دگرگونی های سریع در بازار نفت

روز بیست و هشتم ژوئیه در نزوا از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. طلای سیاه، به شتاب، کم بها می شود. حدود شش ماه پیش برآورد می شد که قیمت نفت ممکن است به بیست دلار در بشکته کاهش یابد. اکنون به کمتر از نصف کاهش یافته است و برخی از کارشناسان می گویند بیش از این سقوط خواهد کرد.

در سال ۱۹۸۲ پس از آن که او یک قیمت رسمی نفت و سهم تولید هر یک از اعضای بقیه در صفحه ۱۱

آخرین اجلاس وزیران نفت او یک کدر جزیره "بریونی" دریوکسلای برکزار شد، مانند چندین اجلاس قبلی به نتیجه نرسید. یک مفسر نفتی در باره این اجلاس شکست خورده به طنز نوشت: "تنهائی نکته ای که وزیران نفت او یک در اجلاس "بریونی" بر سر آن اتفاق نظر داشتند این بود که اجلاس بعدی با بدریکی از بهترین نقاط جهان تشکیل شود." با آنچه در چند هفته گذشته بر سر قیمت نفت آمده است، اجلاس آینده او یک در

حسینعلی مسکن

جامعه آرمانی "امام"

جامعه آرمانی امام خمینی به سرعت در حال شکل گرفتن است.

امام خمینی گفته بود در زمان حضرت پیغمبر مسلمانان برای سد جوع دانه خرما را به نوبت در دهان می گرداندند و برای رفع عطش مشک خشک شده می مکیدند. ظاهراً امام خمینی نگران آن بود که مبادا ایرانیان به آن مرحله نرسند و نیسوت و رسالت ایشان تکمیل نشود. اجلا "حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه ای در خطبه نماز جمعه مؤده داد که آرزوی امام خمینی تحقق یافته است و ایرانیان با ید عمر خوردن و نوشیدن و پوشیدن را فراموش کنند و خود را بسا مقتضیات دوره "مکیدن" تطبیق دهند. پرزیدنت خامنه ای طی مقدمه مبسوطی استدلال کرده که مردم ایران از دو راه می توانند میرا لیسم خونخوار رغبه کنند و پشت آن را بجا ک برسانند. راه مستقیم و کوتاه آنست که به جبهه بروند و کشته شوند. اما گریه لایلی سعادت نایل شدن به وصال مرگ برایشان دست نداد. لاجرم با یدطوری زندگی کنند که تفاوت چندانی با مردن نداشته باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

تذکار به نمایندگان

عوام مجلس انگلیس

هفتاد و هشت تن از نمایندگان احزاب محافظه کار، کارگرو لیبرال و سوسیال دمکرات در پارلمان بریتانیا، تذکار به گروهی از نمایندگان را داده بر به تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و عراق امضاء کردند.

در متن این تذکار ریه که توسط آقای تیپ بیت یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس ارائه شده آمده است: "مجلس گزارش مربوط به نقض حقوق بشر در ایران را که از طرف گروه پارلمانی حقوق بشر انگلیس انتشار یافته است مورد تأکید قرار می دهد و ضمن ابراز نگرانی از اذامه نقض حقوق مدنی در ایران، از دولت انگلستان خواستار است که سیاست های آن به تقویت حکومت ستمگر خمینی منجر نشود و از سیاست تحریم ارسال اسلحه به دو طرف درگیر در جنگ که از سوی دکتر شاپور بختیار پیشنهاد شده است، پشتیبانی بعمل آورد."

بقیه در صفحه ۱۰

اعتصام های دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان بالامی گیرد

دشواری های که نظام پزشکی ایران در این سال های اخیر با دولت اسلامی و عوام مل آن در وزارت بهداشت و درمان داشته است روز افزون بود. بر طبق قانون نظام پزشکی مصوب سال ۱۳۳۹، این سازمان علاوه بر رسیدگی به تخلف های پزشکی و احقاق حق بیماران و نظارت بر امر درمان، در مورد تهیه و خرید دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی و تشییع و حق المعاینه و دستمزد جراحان و ... در کمیسیون های وزارت بهداشت شرکت فعال داشت و نظرات سازمان قابل اجراء بود.

جمهوری اسلامی، به تدریج این اختیارات قانونی نظام را از آن سلب کرد و در کار درمان و بهداشت همه امور بدون توجه به توصیه ها و گزارش های سازمان، راه را به تصمیم گیری برداخت. نظام پزشکی ایران که تا کنون علیرغم شرایط دشوار درمان و بهداشت و کمبود پزشک - که در هفت سال اخیر نزدیک به

روز دوشنبه چهار ردهم ژوئیه، پزشکان تهران در اعتراض به لایحه نظام پزشکی که از سوی وزارت بهداشت و درمان به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است به اعتصابی سمبولیک دست زده اند.

پیش از تنظیم این لایحه و تحویل آن به مجلس، دولت نظام پزشکی را عملاً منحل و با انتصاب دکتر منافی به سرپرستی نظام، این مرجع منفی و علمی را که هیئت مدیره آن توسط پزشکان انتخاب شده اند، تعطیل کرده است.

با اعلام اعتصاب پزشکان، دولت جمهوری اسلامی به توقیف و بازجویی دبیرکل نظام پزشکی و ده تن از اعضای هیئت مدیره پرداخت.

آقای دکتر حفیظی دبیرکل نظام، در همین بازجویی دچار شکست قلبی شد که هنوز (دوشنبه ۲۱ ژوئیه) در بیمارستان مدائن، بخش سی سی، یو بستری است. دکتر حفیظی در بیمارستان تحت نظارت سداران است و آن ها به هیچ کس از اعضای خانواده دبیرکل نظام پزشکی اجازه ملاقات با وی را نمی دهند.

بقیه در صفحه ۳

قیام ملی ۳ تیرماه ۱۳۳۱

بقیه از صفحه ۱

شکایت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نتیجه مثبتی برای آن کشور نرسیده بود. در پی آن کنسولگری های انگلستان تعطیل شده بود. سال ۱۳۳۱ با دفاع مصدق در دیوان دادگستری لاهه، در مقابل شکایت انگلستان، شروع شده بود و با اظهارات پرشور حق طلبانه او و مدارات مستند پروفسورها نری رولن، وکیل ایران، پیش بینی می شد که دیوان لاهه نتواند با روی حق بگذارد.

مذاکرات با شرکت های ایتالیایی و ژاپنی که، علیرغم محاصره اقتصادی، می خواستند از ایران نفت بخرند در جریان بود.

اکنون هنگامی بود که مصدق به اصلاحات داخلی، هم بعنوان هدف تاء مین سعادت ملت ایران و هم بعنوان وسیله ادامه مبارزه با استعمار، دست بزند. ولی مانع تازه ای بر سر راه او سبز شده بود. مجلس هفدهم جدیداً انتخاب با اکثریتی از همان یادی شناخته شده انگلستان شروع بکار میکرد. توضیح آنکه اصلاح قانون انتخابات از آغاز یکی از مهمترین اصول برنامه دولت دکتر مصدق بود ولی در طول سال ۱۳۳۰ گرفتاریهای مبارزه با استعمار انگلستان و تحریکات بیگانگان در مجالی برای اجرای این اصل نگذاشته و موعد انتخابات فرا رسیده بود. دکتر مصدق با احترام و اعتقاد عمیقی که به قانون اساسی و حکومت پارلمانی داشت، جایز ندید که انتخابات را به تعویق بیندازد. اما با تمام کوشش که برای تاء مین آزادی انتخابات کرد، در نتیجه دخالت های مقامات فاسد دولتی و بخصوص فرماندهان لشکری و ایادی استعمار، بسیاری از آنها در انتخاب شناخته شده سرافرازان در آوردند. مصدق برای تصفیه ارتش از عناصر وابسته به بیگانگان و خدمتگزاران ارتجاع به خواست بر اساس قانون اساسی وزارت جنگ را نیز خود بعهده بگیرد و برای اصلاحات قوانین مالی و اقتصادی و بازاری یک دادگستری واقعی، برای مدتی اختیارات قانون گذاری داشته باشد. ولی شاه با واگذاری پیوست وزارت جنگ به مصدق مخالفت می کرد و نمایندگان مجلس هم با دادن اختیارات مخالف بودند. به این جهت علیرغم صدور فرمان مجدد نخست وزیری در تاریخ ۱۹ تیرماه، چون شرایط خود را بدین ترتیب نپذیرفتند، ۲۵ تیرماه استعفا کرد. ولی با حرکت وسیع تمام قشرهای جامعه در سراسر کشور که به قیام خونین ویرانگر ۳۰ تیرماه انجامید، دوباره زمام امور را بدست گرفت. مسا

برای یادآوری این حماسه غرور آفرین ملی و به خصوص برای اطلاع نسل جوانی که سالها عمداً در بی خبری نگهداشته شده، فهرست وار به وقایع روزهای بین ۲۵ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ اشاره ای می کنیم.

۲۷ تیر

فرمان نخست وزیری قوام السلطنه صادر شد. قوام پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس، اعلامیه کذائی و تهدیدآمیز خود را صادر کرد که با این جملات تمام میشد: "... به عموم اطلاع میدهم که دوره عصیان سپری شده و روزها عتاز و امر حکومت فرا رسیده است. کشتیان را سیاستی دگر آمد. تهرانیان ۱۳۳۷/۲۷ رئیس الوزرا قوام السلطنه" (کلام منوچهری - کشتیان را سیاستی دگر آمد از طرف گوینده رادیو، اشتباهات کشتیان " خوانده شد)

خبرهای از حرکت مردم در تمام شهرستان ها به دولت قوام می رسید و دستورات تشدید برای جلوگیری از هرگونه شورشها در مردم به صورت بخشنامه روز، به استانداری ها و فرماندهان لشکرها در شد. روزنامه توده ای "دژ" که به جای به سوی آینده، منتشر می شد در شماره ۲۷ تیرماه درشت، دکتر مصدق را " هوادار امپریالیسم" خواند.

۲۸ تیر

خبرهای واصله از شهرستان ها موجب نگرانی مقامات دولتی شده بود. روزنامه اطلاعات خبر داد که: "طبق تلفن خبرنگاران روزنامه خرمشهر و آبادان با انتشار خبر کناره گیری مصدق از نخست وزیری از عصر پنجشنبه مردم دکان های خود را بسته و شروع به تظاهرات کرده اند و در بخش پالایشگاه و دیگر بخش های وابسته هم کارگران دست از کار رکنیده و اعتصاب کرده اند." از صافهان و قزوین نیز خبر رسید که دکان بسته شده و جمعیت کثیری در تلگرافخانه اجتماع کرده و با نمایندگان جبهه ملی مشغول مخابره حضوری شده و از دکتر مصدق پشتیبانی کرده اند. سیل تلگراف های مبتنی بر اعتراض به قوام و پشتیبانی از مصدق از تمام شهرستانها به تهران بحدی رسید که وزارت پست و تلگراف بدستور دولت، برخلاف قانون اساسی و مقررات موجود، از مخابره و توزیع تلگرافها خودداری کرد. نمایندگان مجلس، طرفدار نهضت ملی در مقابل تقاضای مردم اعلامیه ای منتشر کردند که قسمتی از آن چنین است: "... ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دخالت های استقلال شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا صورت نتیجه قطعی و احقاق حق و رها نشی کشور از جنگسال سیاست های استعماری استقامت خواهد کرد. روز دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام می شود و امید داریم هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامه مبارزه در راه نجات کشور می باشند با نهایت آراش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند..."

۲۹ تیر

شهر تهران بحالت تعطیل درآمد به بود. کارگران کارخانه ها اعتصاب کرده و سرویس های تمام خطوط اتوبوسرانی دست از کار رکنیده بودند. کارگران پمپ بنزین از فروش خودداری می کردند.

۲۶ تیر

با انتشار اخبار استعفا مصدق و رای تمایل مجلس به قوام السلطنه، در سراسر مملکت جنب و جوشی آغاز شد. در تهران از بعد از ظهر، تمام کسبه با زار دکان های خود را تعطیل کردند. اعضاء جبهه ملی

در نقاط مختلف شهر تظاهرات پراکنده ای مردم را با نیروهای نظامی و انتظامی درگیر کرده بود. زدو خورد شدیدی در میدان بهارستان بین اعضاء حزب ایران و دیگر دستجات ملی با پلیس روی داد که به خیابان های اطراف بخصوص شاه آباد کشیده شد و تا نگاه به طرف مردم حمله بردند. زدو خورد به

زودی در تمام شهر بخصوص در حوالی بازار و سیزه میدان شدت گرفت و تعدادی از تظاهرات کنندگان نرگشته و زخمی شدند. تعداد کشته شدگان به روایت های مختلف بین ۴۰ تا ۸۰ نفر گزارش داده شده است. زخمی شدگان را ۷۰ نفر در بیمارستان سینا - ۴۰ نفر در بیمارستان شهر باقی ۱۲ نفر در بیمارستان شیروخورشید ذکر کردند. در آبادان نیز از تظاهرات مردم تعدادی کشته و زخمی بجا ماند و زنی زینت کشته شد. در شهرهای دیگر و بخصوص در کرمانشاه، رشت، تبریز، مشهد، رفاشیه و صفهان تظاهرات تشدید صورت گرفت.

نمایندگان مجلس عروجی به ملی - که از این هنگام فرا کسیون نهضت ملی تا میده می شد - جلسه ای به ریاست مهندس رضوی تشکیل دادند و پیش نویس یک تلگرام به شاه و یک اعلامیه خطاب به ما مورین انتظامی را در اختیار خبرنگاران گذاشتند.

۳۰ تیرماه

از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق.

مردم تهران و بخصوص ساکنان حوالی میدان بهارستان با صدای کامیون های نظامی متعددی که آه آه بر نیروهای نظامی قبلی از پادگان های مختلف و اطراف شهری رسیدند و نیرویی ساده می کردند، بیدار شدند، بلافاصله با نگاه و زوره پوش های دیگری در نقاط مختلف شهر موضع گرفتند.

میدان بهارستان در صورتیکه قلعه نظامی در حال جنگ را بخود گرفته بود، تا نگاه و زوره پوش ها به خصوص در داخل خیابانهای شاه آباد - صفی علیشاه - بهارستان - دروازه شمیران و اکباتان موضع گرفته و روی پشت پاها سنگر بندی شده و مسلسل های سبک کار گذاشته شده بود.

رئیس مجلس به مجلس آمد و دستوراتی به رئیس کار در مجلس داد. آن عهده از نمایندگان فرا کسیون نهضت ملی که شب در مجلس نما نه بودند به مجلس آمدند. اما از آن ۴۱ نفر نماینده ای کسب به قوام السلطنه رای داده بودند هیچ کدام جرئت نکردند بیایند.

جمعیتی که از خیابان های منتهی به بهارستان پیش می آمدند و بیعت مانع نعت سربازان نمی توانستند و ردمیسان بشنوند در خیابانها متوقف شده بودند و هر لحظه به تعداد آن ها افزوده می شد. هنوز زدو خوردی پیش نیا مده بود و کسانیکه قصد ورود به میدان را داشتند با ضرب قنداق تفنگ و باتون به عقب راننده می شدند.

سیل جمعیت خیابانها، بخصوص خیابان شاه آباد صف سربازان را بهم ریخت و مردم به میدان بهارستان وارد شدند. در مدت کوتاهی جمعیت زیاد و وارد میدان شد و سربازان و ما موران انتظامی در کنار تانکها و زوره پوشها موضع گرفتند. کمی بعد از گوشه جنوب غربی میدان فریادها شنیده می شد. صدق برخاست و شعار را از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم - یا مرگ یا مصدق - به وضوح شنیده شد. افراد پلیس به آن طرف حمله بردند و زدو خوردی شروع شد.

سیل جمعیت دیگری از خیابان شاه آباد به طرف میدان سرازیر شد و پیشا پیش جمعیت نعلن نخستین کشته روز، بروی

تخته ای حمل می شد. مردم جنازه جوانی را که در بازارچه سر روی نزدیک شمس العماره گشته شده بود همسراه می آوردند و رود این دسته و با این ترتیب بر شور و هرجا سا برین افزود و فریادها جمعیت حاضر در میدان بلند شد. پلیس و سربازان به مردم حمله بردند و اولین زدو خورد تشدید و جدی در بهارستان شروع شد. مردم با دست خالی به مبارزه مشغول شدند سربازان را از روی اسبها پیاده می کردند و جیبهای شهربانی و ارتش را آتش زدند.

تیراندازی تشدید با مسلسل ما موران بخصوص از روی بام مجلس به طرف مردم شروع شد و مردم فریاد دزنان به طرف سه راه ژاله و سرچشمه و شاه آباد عقب نشستند. اکنون حمله و جنگ و گریز مردم شروع شده بود.

در مقابل حمله سربازان فرار میکردند و دوباره هجوم می آوردند و در هر هجوم تعدادی کشته و زخمی می شدند. ولی نکته قابل توجه اینست که مردم هنگام این جنگ و گریز کشته های خود را همسراه می بردند و نمایی گذاشتند بدست ما مورین بیفتند.

در هجوم تازه ای که جمعیت به طرف میدان بهارستان برد عده زیادی از زیر آتش مسلسل ها خود را به پشت نرده های مجلس رسانند. فریاد آتشین زنی از پشت نرده های مجلس که به اسمی می گفت طوری کسانی را که در محوطه مجلس بودند به هیچان آورد که همه به و پرخاش کردند. رئیس مجلس تصمیم گرفت به سعادت با دیردولی با وجود محافظت گارد بعد از چند متری که از مجلس دور شد مورد حمله مردم قرار گرفت. شیشه های اتوموبیلش را بسا سنگ و چوب شکستند تا چا بر گشت. از ساعت ۱۱ بعد از ظهر جمعیت در بهارستان بحدی رسید بود که دیگر هیچ وسیله ای قادر به جلوگیری نبود و بدست ریخ آتش رگباری و همچنین تا فرمانی از دستور فرماندهان نظامی در میان سربازان نمایان میشد بطوریکه فرماندهان واحدها روحیه خود را باختند. در این موقع جمعیت به جمعیت بهارستان خبر رسید که در میدان سه یک سرهنگ ارتشی از تانک بیرون آمده و با گون های خود را کشته و فریاد دزده است من بطرف مردم شلیک نمی کنم.

تعداد جمعیت در بهارستان بحدی رسید بود که دیگر هیچ وسیله ای قادر به جلوگیری نبود و بدست ریخ آتش رگباری و همچنین تا فرمانی از دستور فرماندهان نظامی در میان سربازان نمایان میشد بطوریکه فرماندهان واحدها روحیه خود را باختند. در این موقع جمعیت به جمعیت بهارستان خبر رسید که در میدان سه یک سرهنگ ارتشی از تانک بیرون آمده و با گون های خود را کشته و فریاد دزده است من بطرف مردم شلیک نمی کنم.

حسین علا وزیر دربار رنزد قوام السلطنه رفت و بنا به اظهار یک شاهد عینی - جناب (ارستجانی) عینا" گفت: جناب اشرف لایب از اوضاع شهر آشفته را دید. در تهران نیز در یک یا چند نفر کشته شده اند. قوام پرسید شما از کجا می دانید. علا گفت، فرماندار نظامی اطلاع داده است. قوام تنها عکس العملی که نشان داد این بود که با قیافه بر فروخته گفت: فرماندار نظامی چرا به من کهرتیس دولت هستم اطلاع نمی دهد؟ همین موقع به قوام اطلاع دادند که نیروهای انتظامی شهر را ترک کرده اند و مردم کلانتری ها را اشغال کرده اند.

قوام السلطنه به دربار رفت و استعفاء خود را به شاه تقدیم کرد. حدود ساعت پنج و نیم حسین علا وزیر دربار به مهتدس رضوی رئیس فرا کسیون نهضت ملی اطلاع داد که قوام استعفا کرده است و دستور اکید داده شده که نظامی ها بسا سربازان را به برگردانند. پس لازم است که آقا یان فرا کسیون نهضت ملی خودشان امنیت شهر را مورد توجه قرار دهند. فرا کسیون نهضت ملی برای حفظ نظم و امنیت شهروان تشار خبر استعفاء قوام اقدام کرد. مردم این پیروزی بزرگ خود را با شور و هیجانی غیر قابل توصیف استقبال کردند.

جمعیت کثیری در مقابل منزل دکتر مصدق اجتماع کردند. مصدق در برابر بقیه در صفحه ۳

گفتگو با دکتر منوچهر رزم آرا:

رژیم اسلامی پزشک جلاد می خواهد

دکتر منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشت دولت شایسته، متخصص بیماری های قلب و استداداشکده پزشکی، که از جمله اعضای هیئت مدیره نظام پزشکی ایران بود (تا سال ۱۳۵۵)، درباره اعتصاب پزشکان و اعتراض آنان به لایحه دولت اسلامی که هدف آن انحلال این سازمان صنفی و علمی است، به قیام ایران چنین گفت:

"از سال ۱۳۵۷ نزدیک به هفت هزار پزشک ایران را ترک کرده اند. در اوایل آن سال جمعا ۱۶ هزار پزشک داشتیم و به این ترتیب اینک جا مع ما با کمبود شدید پزشک روبروست که این کمبود از کیفیت درمان به طرز غم انگیز گشته است. علاوه بر این، رژیم اسلامی با ادامه جنگ پیوسته و برقراری، امکانات موجود پزشکی و درمان را هر چه بیشتر از مردم سلب می کند و در خدمت جبهه های فرارمی دهد. در چنین شرایطی پزشکان ایران که ناچار از خدمت در جبهه ها هستند، فرصتی برای بازآموزی و مطالعه و تحقیق ندارند.

حرفه پزشکی، حرفه ای ویژه با مسئولیت های خطیر است. از دیرباز، پزشکان در جامعه از منزلت خاصی برخوردار بوده اند، زیرا آنه تنها مقدس ترین و وظیفه آنان نبرد با بیماری و مرگ است، بلکه بعنوان یک رازدار مورد اطمینان جا یگاه ویژه ای در نزد خانواده ها و مردم دارند.

مقامات جمهوری اسلامی بدون توجه به این مسئولیت های خطیر و سوگندی که هر پزشک بادمی کند، با وقاحت تمام از پزشکان می خواهند بعنوان ماء موران امنیتی آنان در اختیار رژیم باشند. پزشکان ایران از این با بخت رنج بسیار می کشند زیرا با رهاپیش می آید که مخالفان رژیم در دگرگیریا، زخمی و تیرخورده به مطب و یا بیمارستانی منتقل می شوند و وسیله پزشکی تحت درمان قرار می گیرند. اما ماء موران رژیم بلافاصله سرب می رسند و از پزشک معالج می خواهند که نام و نشان بیمار را در اختیار آن ها قرار دهد. اکنون برای این، به دفعات بیشمار پزشکان ایران شا هدیه داده اند که با سداداران خونخوار رژیم بین مجروحان را از روی تخت بیمارستان به زندان که اعتراض کرده اند و برخی از پزشکان که اعتراض کردند و بسا به وظیفه و شرایط حرفه ای خود ایستادگی کردند همراه با مجروح به زندان افتادند...

دکتر منوچهر رزم آرا، در این مورد به قانون قصاص اشاره می کند و وضع دشوار پزشکیان را در این موضوع چنین وصف می کند:

"بنابر قانون قرون وسطای قصاص، استبداد دینی حکم به قطع دست و

گوش و کندن چشم می دهد. در این مورد، ماء موران رژیم مدت ها پزشکان را تحت فشار قرار می دادند که دست و گوش و دیگر اعضای محکومان را قطع کنند. چنین چیزی مخالف با روح سوگندی است که پزشکان یاد کرده اند. هیچ پزشکی نمی تواند و حق ندارد، عضوا لم شخصی را بفرعونیا قطع کند. دولت اسلامی که در این باره با ایستادگی اکثریت پزشکان روبرو شد، خود به "ختراع" ما شین قطع دست و انگشت همت گماشت و از پاسداران جلاد خود کسان را ماء مور قطع اعضاء محکومین قانون قصاص کرد...

این درگیریهای اصولی که از وظایف و وجدان حرفه ای پزشکان ناشی می شود، جمهوری اسلامی را به تدریج در برابر اطمینان ایرانی قرار داد.

تا آنجا که دولت خمینی با تنظیم یک لایحه، تصمیم به انحلال نظام پزشکی گرفت. رژیم استبداد دینی پس از تصویب این لایحه، عملا نظام پزشکی را با انتصاب آقای دکتر منافی بعنوان دبیرکل نظام منحل کرده است.

"آقای دکتر حقیقی، طبیب برجسته و با فضیلتی است که طی سالهای اخیر، نظام پزشکی را با تحمل مشقات و ناراحتی های بسیار محفوظ نگاه داشته است. دکتر حقیقی از احترام شایان توجیبی در میان پزشکان و جامعه ایرانی برخوردار است. چندی پیش یکی از بستگان دکتر حقیقی درگذشت و در مراسم یادبود و ختم این خویشتاوند دکتر حقیقی چنان انبوه بیماری از مردم تهران، از هر گروه و طبقه، شرکت جستند که مقامات رژیم به وحشت افتادند. پس از آن مراسم که مصادف با اعلام اعتراض نظام پزشکی به لایحه دولت بود، دکتر حقیقی را توقیف کردند که در زندان دچار سکت قلبی شد. من چند سال پیش افتخار درمان دکتر حقیقی را به علت نارسایی قلبش داشتم.

یک عمل جراحی نیز روی قلب این پزشک عالیقدر انجام شده بود، توقیف و بدرقاری ماء موران رژیم خمینی، قلب آسیب پذیر دکتر حقیقی را دچار ضربه شدید کرد...

"نظام پزشکی بعنوان سازمانی علمی به بازآموزی و مطالعات و تحقیقات پزشکان توجه داشت و در راه پیشرفت علمی جامعه پزشکی نقش موثری ایفاء می کرد. با انحلال این سازمان، پزشکان از یک مرکز فعال صنفی و علمی محروم خواهند شد.

اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران در پشتیبانی از حرکت اعتراضی پزشکان

حرکت اعتراضی پزشکان ایران در مقابل لایحه جدیدی که دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده با عکس العمل خشن و ضد انسانی رژیم روبرو شده است. به موجب این لایحه عملا نظام پزشکی این تنها سازمان صنفی که تا کنون با همت پزشکان ایران از تصرف عوامل حزب الهی مومن مانده بود به یک زان شده دولتی تبدیل خواهد شد. زیرا برای نفوذ عناصر حزب الهی در این سازمان صنفی اصل انتخاباتی بودن مراجع نظام جای خود را به انتصاب حکومتی خواهد داد.

رژیم بیشتر مانع حق طلبی پزشکان را با انحلال نظام پزشکی و بازداشت دکتر حقیقی رئیس نظام پزشکی و چند تن دیگر از پزشکان سرشناس کشور با سخ گفته است. ولی علی رغم همه تهدیدها و فشارها پزشکان ایران روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه ۶۵ اعلام کردند که چنانچه پزشکان بازداشت شده بی درنگ آزاد شوند و دولت لایحه جدید را مسترد ندارد در آغاز ماه آینده به یک اعتصاب ۷۲ ساعته در سطح کشور دست خواهند زد.

نهضت مقاومت ملی ایران با جلب توجه همه سازمان های بین المللی نسبت به حقوق پایمال شده پزشکان ایران و عکس العمل خونت آمیز و ضد بشری رژیم، هما نگونه که از آغاز، حمایت بیدریغ خود را از این حرکت حق طلبانه برقرار داشته است، با تاءکید بر خواست های این قشر خدمتگزار که در سخت ترین شرایط زیستی و حرفه ای به خدمت صادقانه خود ادامه می دهند از کلیه هموطنان خود، خاصه از جامعه دانشگاهیان ایران و دانشجویان و استادان دانشگاه می خواهد، با پشتکار و مصیبت و احساس مسئولیت پزشکان را یاری دهند و پشت در پشت آن ها تعرض و تهدید دولت ضد ملی و ضد آزادی را عقیم گذارند.

ایران هرگز نخواهد مرد
نهضت مقاومت ملی ایران

اعتصابهای دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان بالامی گیرد

بقیه از صفحه ۱

نظام پزشکی، هفته آینده به مدت ۴۸ ساعت اعتصاب خواهد کرد و در صورتی که دولت اسلامی، لایحه نظام پزشکی را از مجلس پس نگیرد در روزهای هفتم، هشتم و نهم مرداد دست به اعتصاب گسترده تری خواهد زد.

گزارش دیگری حاکی است که ماء موران رژیم، با زده پزشک بازداشت شده را به قم، به خانه آیت الله منتظری بردند تا وی با تصایح خود، آن ها را از ادامه مخالفت با لایحه جدید نظام پزشکی بازدارد، اما از آن جا که پزشکان توقیف شده، حاضر به قبول سخنان منتظری نشدند، ماء موران رژیم، آن ها را به نقطه نا معلومی بردند. دکتر ترقی رضوی، دکتر ملکی، و دکتر برومند در میان بازداشت شدگان قرار دارند.

روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئیه، عوامل رژیم به خانه های چند تن از بانوان پزشک ریختند و به غارت اموال و تخریب منازل آن ها پرداختند. در این میان، رژیم که متوجه شد داروسازان و داروخانه داران نیز از پزشکان حمایت به عمل می آورند، چند روزی در تهران تعطیل کرده اند.

دولت میرحسین موسوی که در برابر مقاومت شدید پزشکان، سخت درمانده شده است، به قصد خنثی کردن مقاومت

ده هزار تن از آنان جلای وطن کرده اند. می گویند به وظایف خود عمل کند، با تنظیم لایحه جدید که این نظام را متلاشی می کند، برای دفاع از سازمان علمی و صنفی به حرکت های اعتراض آمیز برخاست.

از روز سیزدهم ژوئیه، درگیریهای میان دولت اسلامی و عوامل سرکوبگر آن با پزشکان معترض، خصمانه و خونت آمیز شده است که گزارش های رسیده در این باره را از نظارتان می گذرانیم:

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی قعدا اردن علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

آن ها می گویند نخست وزیر جمهوری اسلامی، سازمان پزشکی و انتصاب دکتر منافی به عنوان دبیرکل این نظام، در حقیقت، قانون نظام پزشکی را که در سال ۱۳۳۹ تصویب شد تا تصویب احتمالی قانون جدید، ملاک عمل خواهد بود، زیرا گذشته است.

گزارش دیگری حاکی است در حالی که موج تارنایی در جامعه پزشکان ایران بالا می گیرد، رژیم دستور قطع تلفن چند تن از پزشکان سرشناس تهران را صادر کرد.

● پزشکان تهران اعلام کردند که در صورت آزاد نشدن یا زده تن از مسئولان

مراجعت شرکت نفت انگلیس را به ایران غیرممکن می سازد. دکتر محمدی ما مورتشکیل کابینه شد و بیست وزارت جنگ را شصا "بعهد گرفت و لایحه اعطای اختیارات برای مدت شش ماه در جلسه ۲۵ مرداد ۱۳۳۱ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید.

پس از قیام مقدس ملی

مصدق در مرداد ماه دولت جدید خود را تشکیل داد. بیست وزارت دفاع ملی را شصا "عهده دار شد.

قیام ۳۰ تیر به موجب قانونی که در مرداد ۳۱ به تصویب مجلسین رسید به نام "قیام مقدس ملی" شناخته شد و قانون اعطای اختیارات شش ماهه در مرداد به تصویب رسید.

دکتر مصدق برنا مه دولت جدید خود را در ماده تنظیم کرد:

- ۱ - اصلاح قانون انتخابات
- ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه و تقلیل مخارج و برقراری مالیات های مستقیم.
- ۳ - اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد و اصلاح قوانین پولی و بانکی.
- ۴ - بهره برداری از معادن کشور

- ۵ - اصلاح سازمان های اداری و قوانین استخدامی و گشاورزی و قضاوتی.
- ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی.
- ۷ - اصلاح قوانین دادگستری
- ۸ - اصلاح قانون مطبوعات.
- ۹ - اصلاح امور فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی.

متعاقبا "قوانینی مانند انشاء عوارض مالکانه - صدی بیست و گشاورزی - ملی کردن جنگل ها - تعلیمات اجباری - بیمه های اجتماعی کارگران به مسوا د نهگانه ا فافه شد.

در باره فعالیت های شگفت آور اقتصاد و اجتماع دولتی دکتر مصدق از قیام ۳۰ تیرماه ۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعلمت محدودیت صفحات نشریه فرصت بحث نیست تنها به ذکر یک نمونه اکتفا میکنیم که در پایان سال ۱۳۳۱ علی رغم تمام تضییقات استعماربرای نخستین بار ارزش واردات و صادرات کشور تا دل پیدا کرد و همچنین برای اولین بار در تاریخ ایران بودجه سال ۱۳۳۲ از حیث درآمد (بدون درآمد نفت) و از حیث هزینه (به اضافه مخارج شرکت نفت) و بدون محاسبه اضافه درآمد احتمالی، کاملا متعادل بود.

قیام ملی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱

بقیه از صفحه ۲

جمعیت ظاهر شد و در حالی که بشدت می گریست گفت: "ای کاش من مسرده بودم و ملت ایران را این طور عزادار نمی دیدم." و وقتی آرام گرفت افزود: "مردم، من به جرئت می گویم که استقلال ایران از دست رفته بود و شما بسا رشادت و فداکاری خود آن را پس گرفتید." کمی بعد خبر پیروزی ایران در دیوان دادگستری لاهه به تهران رسید و مردم بار دیگر در برابر خانه مصدق به نظر هرات پرشوری دست زدند.

۳۱ تیر

در تهران دیگر از افراد پلیس و سربازان زور خیابان ها اثری دیده نمی شد حفظ نظم شهر به عهده یک عده از جوانانی بود که به سینه خود توارسیا هی نصب کرده بودند و

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

جنگ سوریه با حزب الله؟

روزنامه کوتیدین چاپ پاریس مورخ ۱۶ ژوئیه ۸۶ نوشت: سوریه که زمانی خود عوامل جمهوری اسلامی را به لبنان آورد...

کوتیدین می نویسد: روزنامه النهار چاپ لبنان، اخیراً تأیید کرده که هدف سوریه از اعزام نیروی نظامی به محله غرب بیروت، در درجه اول آزادی گروگان ها...

استقرار نیروهای سوریه در بیروت غربی در حال نشان دهنده آن است که سوریه قصد دارد با ردیگر نقش رهبری خود را در لبنان بازیابد...

گزارشگر ویژه کوتیدین در بیروت، گزارشی را جمع به افاضه حیات لبنان که به مواظقت سوریه وارد لبنان شده و اکنون حافظ اسد قصد دارد به نفوذ آنها خاتمه دهد...

می گذرد: بخش هایی از آن در زیر نظر ارتش است که می گذرد:

یاسمینا خوری "گزارشگر کوتیدین می نویسد: اوضاع برای حزب الله در بعلبک بسیار سخت شده است. گوئی خدا حزب خود را بحال خود برآورده است. واقعیت اینست که بنیادگرایان اسلامی دیگر آن چیزی نیستند که قبلاً بود...

اما حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه کسی نیست که شکست را به سادگی بپذیرد. او تصمیم گرفت برگ دیگری رو کند و نفوذ خود را در لبنان از طریق جمهوری اسلامی افزایش دهد...

مسیحیان، تحت فشار حزب الله ترجیح دادند که بعلبک را ترک کنند و شهرتاریخی بعلبک تبدیل به تهران دوم شد. در دیوار شهر با شعارهای جمهوری اسلامی سیاه شد. شعارهایی که مردم را به جهاد برای آزادی قدس دعوت میکرد...

البنیه جمهوری اسلامی، برای رسیدن به این هدفها زل کردن سرکشی خود را برنگردانید. به زنی که جفا با سلامی می پوشیدند هزار لریه لبنانی جایزه داده میشود. نوجوانان را نیز وارد مجموعه میهم و وحشتناک حزب الله کردند که هیچگونه سازمانی به معنی واقعی کلمه ندارد...

هدیه به ریگان

هفته نامه آفریقای جوان در ستون خبرهای اختصاصی خود نوشت: حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه قصد دارد با آزاد کردن حداقل سه تن از هفت تن گروگان آمریکا...

سوری طی سفری به تهران ۱۹ تیرماه، طی مذاکراتی پیچیده و خسته کننده سرانجام موفق شد، موافقت رژیم جمهوری اسلامی را برای آزاد کردن این عسده بدست آورد.

دربین کسانی که قرار است به گفتوگو آفریقای جوان، آزاد شوند، نام "تیری آندرسون" روزنامه نگار آمریکایی دیده می شود. احتمالاً دمشق نام ما رسل گارتن دیپلمات فرانسوی را نیز در این فهرست قرار داده است.

آفریقای جوان - ۲۳ ژوئیه ۸۶

اسارتگاه گروگانها

به نوشته روزنامه "لوماتن" چاپ پاریس مورخ ۱۸ ژوئیه ۸۶، موضوع گروگان های فرانسوی در لبنان، محور گفتگوهای مقامات فرانسوی با عبدالحمید خدام معاون ریاست جمهوری سوریه...

ایران، خاتمه داده و طرفداری خود را از شوروی اعلام کرد. در وقایع آذربایجان در سال ۱۹۴۶ عمده وی سرپرستی شبه نظامی محلی جدا شدی را برعهده گرفت...

در حالی که اکنون دوهفت ماه از ورود نیروهای سوریه به غرب بیروت می گذرد عبدالحمید خدام بار دیگر ضمن ابراز رضایت از دیدارهای خود با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه فرانسه گفت: فرانسه کاملاً اهداف سوریه را در لبنان درک می کند...

در حالی که اکنون دوهفت ماه از ورود نیروهای سوریه به غرب بیروت می گذرد عبدالحمید خدام بار دیگر ضمن ابراز رضایت از دیدارهای خود با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه فرانسه گفت: فرانسه کاملاً اهداف سوریه را در لبنان درک می کند. سیاست سوریه در لبنان عبارت است از حفظ وحدت ملی لبنان و برقراری تفاهم بین همه جناح ها...

به نوشته "لوماتن بزودی کارشناسان فرانسوی برای بررسی راه های توسعه همکاریها با زنگنه و فرهنگی بین دو کشور به سوریه خواهند رفت.

لوماتن ۱۸ ژوئیه ۸۶

تلفن خبری

همیشه آن عزیزان هر روز تلفن خبری جهت مشاورت ملی ایران شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

شماره تلفن: ۸۵ - ۸۵ - ۲۶ - ۲۳ پاریس

دیپلماتهای خمینی

ما هنا نه " اسپکتاکل دوموند " چاپ پاریس (ژوئیه ۸۶): گزارش مفصلی در باره نقش جمهوری اسلامی و سران آن در تروریسم بین المللی، با عنوان: "دیپلمات های خمینی" به چاپ رسیده است که بخش هایی از این گزارش از نظرات می گذرد:

در ماه ژوئن ۱۹۸۴ یک تپ مستقیم تروریستی به سرپرستی میرهاشم در تهران بوجود آمد.

شورای عالی انقلاب که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد و اینک تحت سرپرستی میر حسین موسوی نخست وزیر قرار دارد، عملیات این تپ را هماهنگ می کند. از همین زمان نقش جمهوری اسلامی در شبکه های تروریسم بین المللی در لبنان و بعداً در اروپا اهمیت یافت.

دادستان کل جمهوری اسلامی حجت الاسلام خوئینی ها، در این شبکه ترور نقش بسیار عمده ای برعهده دارد. محمد خوئینی ها در سال ۱۹۳۵ در یک خانواده مهاجر قفقازی در ایران به دنیا آمد. چهره وی برای اولین بار در ماه جاری گروگان گیری دیپلمات های آمریکا در تهران، به عنوان سرپرست گروگان گیران شناخته شد. وی سالها در کشورهای بلوک شرق بسر برده است.

در سال ۱۹۴۱ هنگام حمله شوروی به ایران، خانواده وی طرفداری خود را از شوروی اعلام کرد و در وقایع آذربایجان در سال ۱۹۴۶ عمده وی سرپرستی شبه نظامی محلی جدا شدی را برعهده گرفت. اما پس از هائوسی آذربایجان وی از سوی رژیم شاه محکوم به اعدام شد، و خانواده وی به شوروی گریختند.

از سال ۱۹۷۰ ردپای محمد خوئینی ها در برلین شرقی دیده می شود. وی ظاهراً پس از دیدن دوره های لازم در دانشگاه پاریس لوموسیا در مسکو به برلین شرقی آمده بود و از آنجا با خمینی ارتباط دائم داشت. در سال ۱۹۷۸ سر و کلیه او در مسجد کوچک در تهرانی و در پی یک انقلاب اسلامی شرکت می جوید.

در بخش دیگری از گزارش آمده است: آشوب افکنی بین مسلمانان دیگری کشورهای جهان به دیپلمات های جمهوری اسلامی سپرده شده است. نسل جدیدی از سفیران و کارداران و اردکشورهای غربی شدند. دیپلمات های جدید ایرانی اغلب زیر سی سال سن دارند و تقریباً تمام آن ها از دانشجویان خط امام اند که دیپلمات های آمریکایی را به گروگان گرفته بودند. آموزش آن ها در وزارت امور خارجه اسلامی به مدت یکسال زیر نظر حسین شیخ الاسلام انجام می گیرد.

شیخ الاسلام، این تروریست است با سابقه هنگام تحصیل در آمریکا از سوی اف. بی. آی. به علت فعالیت های که علیه جنگ ویتنام انجام می داد شناخته شده بود. وی اکنون معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و مسئول هماهنگی عملیات انقلابی در لبنان سوریه و لیبی است.

قبل از قتل سفیر فرانسه در لبنان "لویی دولمار" حضور حسین شیخ الاسلام در دمشق اعلام شده بود. قبیل از سوئد علیه سربازان فرانسوی در لبنان وی در بیروت دیده شده بود.

در زندگی نامه رسمی سید علی خامنه ای رئیس جمهوری، یک دوره خالی از توضیح و اسرار آمیز سه ساله به چشم می خورد. بنا به روایت رسمی وی این مدت را در تبعید گذرانده است، اما گفته نمی شود که کجا بوده است.

واقعیت اینست که این سه سال زندگی خامنه ای بین دانشگاه پاریس لوموسیا در مسکو و اردوگاه های تعلیمات نظامی در شورکمونستی یمن جنوبی گذشت است. ایرانیان مدت ها ست پی برده اند که این ملا مانند روحانیون سخن نمی گوید. وی که ناطق زبردست است در نطق های خود بسیار ازواژه های مارکسیستی استفاده می کند و در مجادلات دلیا لکتیکی بی طولانی دارد.

آیت الله ری شهری وزیر امنیتی جمهوری اسلامی، نیز سالها در اردوگاههای تروریستی "ژرژبش" دوره دیده است. اکنون در ایران با یگا ه های متعدد بقیه در صفحه ۱۰

فرهنگ ایران

یادداشت‌های پراکنده

داستانی از شاهنامه - کرم هفتواد

اردشیر و هیواد

محمد جعفر محبوب

آن بخش از شاهنامه که به شرح دوران ساسانی اختصاص یافته، کم و بیش با تاریخ‌های معسرف از قبیل طبری و مسعودی و ثعلبی و دیگران منطبق است. با این حال نمی‌توان میان بخش حماسی و بخش تاریخی شاهنامه خط فاصلی کشید و گفت: تنها این جابجایی حماسی و آمیخته به افسانه است، و از این جابجایی تاریخی آغاز می‌شود و قلمرو افسانه‌ها با این می‌یابد. به همین دلیل است که سرگذشت نخستین پادشاهان ساسانی، گرچه وجود واقعی تاریخی دارند و بسیاری از حوادث روزگارشان جنبه تاریخی دارند، باز با افسانه آمیخته شده است. در این میان اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانی و شاه پور اول پیش از دیگر پادشاهان ساسانی وارد عرصه افسانه شده‌اند، گویا که بسیاری از شاهان متأخر ساسانی هم از نفوذ افسانه‌ها برگزیده شده‌اند.

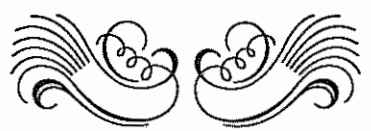
یکی از افسانه‌هایی که وقوع آن به دوران اردشیر بابکان نسبت داده شده داستان بسیار زیبایی است که هفتواد است. در آثار بازمناخته به زبان پهلوی رساله‌ای هست به نام کارنامه اردشیر بابکان که متن پهلوی و ترجمه فارسی آن (از روان شمساد صادق هدایت و دیگران) بارها به چاپ رسیده و انتشار یافته است. در این کارنامه افسانه‌های منسوب به اردشیر، و از آن جمله کرم هفتواد، یاد شده و فردوسی این داستان را با رعایت آمانت و در عین حال با فصاحت و زیبایی تمام به نظم آورده است. داستان مربوط به روزگار طلوع اردشیر و دوران نبرد او برای به دست گرفتن قدرت است. صحنه این داستان در کرمان می‌گذرد. فردوسی وجه تسمیه کرمان را یاد می‌کند و آن را به محل زندگانی کرم معنی می‌کند و اشارت می‌دهد که هفتواد است. اما این وجه تسمیه و آن ترجمه اصل علمی ندارد و از مقوله «ریشه‌شناسی عوامانه» است. به روایت فردوسی کرمان در آغاز «کجرا» نام داشته است. اینک داستان:

ز شهر کجرا ن به دریای پارس
که گوید زیلا و پهنای پارس
یکی شهر بُد تنگ و مردم بسی
ز کوش بُدی خوردن هرکسی
در آن شهر دختر فراوان بُدی
که بی کام و جوینده نان بُدی
این دختران هر روز در جایگه‌های نزدیک کوه گرد هم می‌آمدند. هر یک از آنان خوراکی برای خود پختن می‌داشت و مقداری پنبه و دوکدانی از چوب خردنگ (دوکدان: چوبی که دوک‌ها را در آن گذاشتند) و نزدیک دروازه شهری آمد و همه با هم به نزدیک کوه می‌رفتند و خوراکی‌ها را یک‌جا می‌کردند و بیسایه هم می‌خوردند و تا شب به کار رفتن پنبه می‌پرداختند و شب هنگام که به خانه بازمی‌آمدند، تمام پنبه‌ها به ریسمان بدل شده بود.

بدان شهری چیز و خرم نهاد
یکی مرد بد نام او هفتواد
بدین گونه‌بر، نام او از چه رفت؟
ازیرا که او را پس بود هفت
گرامی یکی دخترش بود و بی
که شمردی او مهتران را به کس
مردی در آن شهر بود که چون هفت پسر داشت او را هفتواد می‌گفتند. هفتواد تنها یک دختر داشت که او را نیزیبا و وجود عزیز بود نزدیک او و مادر او یکدانه دختر بود، با دیگر دختران به نزدیک کوه می‌رفت و پنبه می‌رشت؛ چنان‌که آن دختر نیک‌بخت
یکی سیب افکنده با دزد درخت
به‌ر بر، بدید و سبک برگرفت
کنون بشنوی این داستان شگفت:
وقتی دختر نیزیبا سیب پاد زده را به دندان برد و نیسی از آن را گاز زد، کرمی ضعیف درون سیب یافت. از سرمهری آن کرم را با دوا نگشت برداشت و بیسه نرمی در دوکدان گذاشت و چون می‌خواست پنبه برای رشتن از دوکدان بردارد با خود گفت: من امروز به طالع این کرم پنبه می‌ریسم. دختران بدین گفته خندیدند، اما دختر در آن روز و برای بر روزهای دیگر نخ ریست. شب‌ها در آن به خانه رفت و ورشته‌ها را به مادر بنمود. از آن روز دختر بر مواظبت کرم همست گماشت و هر روز میزان نخ رشتن او افزونی می‌گرفت تا: چنان‌که یک روز مام و پدر
بگفتند با دختر برهنه
که چندان بریسی، مگر با پیری
گرفتستی، ای پاک‌تن، خواهی
سبک سیم بر، پیش مادر بگفت
از آن سبب و آن کرم که اندر نهفت
همان کرم فرخ بدیشان نمود
زن و شوی را روشنایی فرود
هفتواد پدر دختر نیزیبا طالع کرم را نه‌فان نیکو گرفت

و هر کجا که می‌کرد به طالع وی می‌کرد. روزگاری بر این ماجرا بگذشت، این خانواده از مواظبت کرم چیزی فروگذار نکردند تا رفته‌رفته بزرگ شود و کد آن برتن او تنگی می‌کرد. هفتواد بفرمود تا صندوقی سیاه ساختند و کرم را در آن جای دادند و به طالع کرم هر روز کار هفتواد در تنقی بود تا مردی توانگر و صاحب نفوذ و پر قدرت شد. حاکم شهر خواست تا او را بیاورد و از او چیزی بگیرد، اما مردم بر هفتواد انجمن شدند و به جنگ با حاکم کجرا ن برخاستند. هفتواد به جنگ رفت و حاکم را گرفت و بگشت. پس: به نزدیک او مردم انبوه شد
ز شهر کجرا ن سوی کوه شد
یکی دژ بگرد (= بساخت) از بر تنگ کوه
شد آن شهر با او همه هم‌گروه
نهاده بر آن دژ دری آهین
هم‌آرامی گشت و هم‌جای کین
وقتی هفتواد به دژ درآمد، دیگر صندوق نیز برای کرم کوچک شده بود. بفرمود تا در دژ حوضی از سنگ ساختند و کرم را که اکنون از دهایی شده و رویین تن بود و سلاح بر او کار نمی‌کرد در آن گذاشتند. مردم را به پرستش کرم واداشت و خدمتگاران چند برای پرستاری وی گماشت که هر روز دیگی برنج و شیر و گرمی بپختند و بدومی دادند.
برآمد بر این کار بر چند سال
چوپایی شد آن کرم با شاخ و ویال
چو یک چند بگذشت بر هفتواد
مر آن کرم را نام، کرمان نهاد
همان دخت او بد نگهدار
بدرگشته جنگی سپدار کرم
در همین روزگار اردشیر برای یک رویه کردن کسار ملک سیاه به سوی کرمان فرستاد. چون هفتواد از این ماجرا آخبریا قوت برای رویا رویی با اردشیر آماده شد و سیاه خود را در کمین گاه در سر راه کوهستان بی دژ بداشت. چون لشکر اردشیر فرار رسید آن از کمین گاه به دژ آمدند و دست بریاری اردشیر گذاشتند و چندان از ایشان بگشتند که خود به ستوه آمدند. آنچه از سیاه زنده مانده بودند، نزد او رفتند. اردشیر، با آن سیاه و سیاه خود را فریاد و گریه کرد و گریه می‌کرد، اما لشکریان هفتواد در ایشان تا ختن بردند و ایشان را تا لب آبیگری که پشت ایشان بود را دیدند. در همین اوقات مردی بدنه‌ها را زاهل جهرم به نام مهرک نوش زاد وقت را غنیمت شمرد و به خانه‌اش تاخت و کنج او را سیاه تا راج داد. شب هنگام اردشیر بزرگان لشکر را بفرمود تا خوان بیا راستند
می‌جام و را مکران خواستند
به‌خوان بر نهادند چندی بره
به‌خوردن نهادند سر یکسره
چونان را به خوردن گرفت اردشیر
بیا مدهمانگه یکی تیز تیر
نشست اندر آن پاک فریه بره
که تیر اندر آن فرق شد یکسره
فرورفتن تیری که از بیرون چا در می‌آمد در تن آن بره موجب نگرانی مهمانان شد. همه دست از خوردن برداشتند و یکی از آنان تیر را از زهر بیرون کشید و دید بر چوبه تیر خطی نقش کرده‌اند. دبیر آن خط را که به پهلوی بود بر خواند. نوشته بودند: ای پادشاه اگر نیک بشنوی، این تیر را بام دژ آمده است چه آرامش دژ و ایست به بخت کرم است و اگر من می‌خواستم آن را به سوی اردشیر می‌انداختم و تیر از بدن وی می‌گذشت. اما نباید که کرم چنین شهریاری را از میان بردارد. اردشیر ناگزیر شد پیش از هر کار چاره‌ای برای از میان بردن کرم بیندیشد. اما در همین حال لشکر هفتواد حمله کرد و سیاه اردشیر را پراکنده ساخت. اردشیر نیز به سوی گریخت و در سر راه خود به خانه‌ای رسید که دو جوان پاکیزه بردار آن ایستاده بودند و بر شکست اردشیر تاء سف می‌خوردند. اردشیر همان ایشان شد و چون از پاک دلی ایشان مطمئن شد خود را بدیشان شناساند و آنان پس از درود و نیایش بدو گفتند:
تو در جنگ با کرم و با هفتواد
بسنده‌های گرنیچی ز داد
یکی جای دارند بر تنگ کوه
بدو اندرون کرم و کج و گروه
به پیش اندرون شهر دریا چه پشت
دژی بر سر کوه و راهی درشت
همان کرم کرمزاه برین است
جهان آفریننده را دشمن است
همی کرم خوانی به چرم اندرون
یکی دیو جنگی است ریزنده خون
اردشیر بدیشان را می‌شود. تخت به شهر خدود
خره اردشیر بازمی‌گردد، پس از آنک آسایشی به
سوی مهرک نوش زاد می‌رود و پراودست می‌یابد و او

خاندانش را تباہ می‌کند. سپس ده هزار سوار گمرد آورده سالاری خردمند به نام شهرگیر را برایشان فرمان دهی می‌دهد و بدومی گوید: من اکنون مانده نیای خویشتن اسفندیار رحیلتی خواهم ساخت (اسفندیار نیز در لبای سبزرگان برای گرفتن گنگ دژ و رهایی خواهران خود رفته بود). شما اگر بر سر دژ در روز دود یا در شب آتش دیدید بدانید که کار کرم یکسره شده است. بتا زید و دژ را بگیرید. سپس: گزین کرد از آن مهتران هفت مرد
دلیران و شیران روز نبرد
بسی گوهر از کنج بگزید نیز
زدیبا و دینار و هرگونه چیز
به چشم خرد چیز ناسا چیز کسرد
دو صندوق پر سرب و آرز (فلج) کرد
یکی دیگر روئین به بار اندرون
که استاد بودا و به کار اندرون
چو آن کردنی کارها کرد راست
زالار آخور خری ذه خواست
چو خربندگان جامه‌های گلیم
بپوشید و بارش همه زرو سیم
اردشیر با هفت مرد جنگی و آن دو جوانی که راه‌نمایی او را برعهده گرفتند و ده خرابی را به پای دژ آمد. تعداد خدمتگاران و پرستندگان کرم اکنون به شمت تن رسیده بود. یکی از آنان پرسید: چه درباردارید؟ اردشیر گفت: همه چیز، پیرایه و جامه و سیم و زر و خز و گوهر و دیبا و دینار. ما با زرگان خراسانیم و از بخت کرم بسیار توانگر شده‌ایم و برای پرستیدن کرم آمده‌ایم. در دژ را گذاشتند و اردشیر را به دژ آوردند. اردشیر بی درنگ با رها را از خزان فرود آورد و دست کرم بر گماشت و هر یک از پرستندگان را چیزی داد. سپس جام شراب را بر کرد و بدیشان عرضه داشت. گفتند ما در موقع خدمت کرم نباید شراب بنوشیم:
چو بشنید بریای جست اردشیر
که با من فراوان برنج است و شیر
به دستوری سرپرستان سه روز
مراورا به خوردن منم دل فرور
مگر من شوم در جهان شهرهای
مرا باشد از اخترش بهره‌ای
شما می‌گسارید خرم سه روز
چهارم، چو خورشید گیتی فرور
برآید، یکی کلبه سازم فراخ
سراطق برتر ز دیوار کاخ
فروشنده‌ام هم خریدار جوی
فزاید مرا نزد کرم آبروی
پرستندگان مفت خود را نخواستند و خدمت کرم را به اردشیر و یاران واگذاشتند و خود به می خوردن نشستند و چندان بخوردند تا مست شدند و زبانشان گندی گرفت. آن گاه اردشیر با مدودیک روئین بیا و در سرب و قلعه را درون آن ریخت و آتش برافروخت...
چون وقت غذا خوردن کرم فرا رسید به نرمی سر را از حوضی که در آن بود بالا آورد و برای خوردن شیر و برنج دهان بگشود. اما اردشیر:
سوی کننده آورد ارزیز کرم
سرا زکنده برداشت آن کرم نرم
فروریخت ارزیز مرد جوان
به‌کنده درون کرم شد تا توان
طراقی برآمد ز حلقوم اوی
که لرزان شد آن کنده و بوم‌اوی
باقی داستان پیدا است: اردشیر نخست پرستندگان کرم را که مست به گوشه‌ای افتاده بودند بگشت و در همان هنگام بر بام دژ آتش برافروخت. سیاه‌ها روی ریختند و دژ را بگرفتند و پیش از هر کار به جستجوی هفتواد و پسر بزرگش شاهوی که سالار لشکر او نیسی بود برخاستند و آن دورا بگرفتند. در پیش دریا دو دار بلند نصب کردند. آنان را زنده بردار کرد و به تیرباران ایشان را بگشت و نیز:
به‌تاراج داد آن همه خواسته (جال)
شدا خواسته لشکر آراسته
به‌دژ هرچه بود از کران تا کران
فرود آوردند فرمان بران
ببخشید نیسی از آن بر سیاه
دگر نیمه برگنج افزود شاه
بگرداند آن کوه آتش‌کنده
بدو تا ز شد مهرگان وسده
سپس اردشیر از آن جای برفت و فرمان روایی آن ناحیه را بدان دو برنا که میزبان و رهنمای وی بودند سپرد.



فرانسه و سوریه

سیاست عربی

سفر رسمی عبدالحمید خدام معاون رئیس جمهوری سوریه به فرانسه وجسوه گوناگونی از تفسیرها را سبب شده است. پس از ده سال، این اولین بار است که یک مقام عالی رتبه سوریه به فرانسه سفر می کند، این سفر اگر با زدی دیدی دیپلماتیک بنا میم، می بینیم که دیدار فرانسوا میتران از سوریه، قریب یکسال و اندی بعد از آن هم نه به وسیله همتای سوریه ای که با حضور مرد شماره ۲ دمشق دریا بیخت فرانسه، پاسخ داده میشود.

حافظ اسد دریا نژده سال اخیر سردار خاور میانه عربی توانسته است با ورق های برنده و مانورهای حساب شده بازی کند. هم پیمان و متحد شوروی و در همان حال، مبتکر "سیاست سوریه ای" است. سیاست سوریه ای وی بر دو اصل مطلق غرب نیست، با پای می زیند و با دست پیش می کشد. شاید از این خصیصه ما کیا ولیستی حافظ اسد در سیاست است که به او لقب "بیسارک خاور میانه" داده اند.

عبدالحمید خدام درپاریس با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و رئیس جمهوری فرانسه دیدار و گفتگو داشته است. همگان را عقیده بر آنست که حضور خدام در فرانسه فرصت مناسبی است تا دولت مردان فرانسه روند رهایی هفت شهروید فرانسه اسیر در لبنان را سرعت بخشند. این برداشتها تا آنجا پیش می رود که: "کلید نجات گروگان ها منحصر" در دست حافظ اسد است."

اما عبدالحمید خدام در سفر خود به پاریس و طی ساعت های دراز گفتگویی عالی ترین مقامات فرانسه، در چهره رچوب ساء لسه گروگان ها باقی نماند. حافظ اسد در تنگنا های اقتصادی و دشواری های سیاسی که در ماه های اخیر بحران آمیز شده است، در پاریس گریزگاه ها می جوید. از جمله نکات مهمی که در این سفر به آن ها اشاره شد، توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی دو کشور است. فرانسه معنای دقیق گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی با سوریه را می فهمد. کشوری که در آن از سال ۱۹۸۴ بحران همه جانبه اقتصادی بخش عمومی و خصوصی را فلج کرده و تولید ملی را تا ۳۲ درصد کاهش داده است به یک معنا، در آستانه خطرهای جدی قرار گرفته است. کنگره هشتم حزب بعث سوریه (۵ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۸۵) بیش از همه مسائل به وضع نابامان اقتصادی حساسیت نشان داد و حافظ اسد به نوبه خود در سخنرانی ۱۲ مارس ۱۹۸۵ - چنین گفت: "مجازات خطا کاران و مسئولیت برای افزایش تولید، شعار اصلی است." در حال حاضر بخش عظیمی از کارخانه ها تعطیل شده است، سوریه به علت کمبود ارز نمی تواند مواد اولیه ویدکی های لازم را خریداری کند. بیکاری روز افزون سبب مهاجرت های عظیم نیروی کار به کشورهای شریک و متحد عربی شده است و این مشکلات آنجا هندا ردهنده می شود که مردم سوریه در فقری فزاینده با گرانسی

روز افزون نیز روبرو هستند. دوسالی است که کالاهای اساسی سوریه جیره بندی شده است و افزون بر این قطع آب و برق که روزانه روی می دهد، زندگی شهرتین ها را تلخ کرده است.

فرانسه با آگاهی بروضع اقتصادی سوریه، معنای درخواست گسترش روابط تجاری و اقتصادی عبدالحمید خدام را در می یابد. مرد شماره ۲ سوریه، پس از وساطت و فعالیت برای نجات دوتن از گروگان های فرانسه (دوگزارشگر تلویزیون) بطور رسمی، دست کمک دراز کرده است. فرانسه اگر بخواد هد به استمداد پاسخ گوید با بدینخت اعتباری هنگفت به نفع سوریه بگشاید و آنگاه "روابط تجاری دو کشور را توسعه دهد." این امر که چه وقتی فرانسه به وصول طلب خویش موفق خواهد شد، حتما "موضوعی است که مدیران اقتصادی و تجاری پاریس را دلمشغول خود می دارد.

جزاین ها، واقعیت ملموس، حضور موثر و سنگین سوریه در خاور میانه است. درست است که سوریه سه بار تاکنون با اسرائیل جنگیده است، اما شواهد بسیاری در سالهای اخیر در دست است که نشان می دهد حافظ اسد تجربه های تلخ آن ۳ جنگ را تکرار نخواهد کرد.

سواء دیگر، استراتژی کلی سیاست عربی فرانسه است.

فرانسه دوازده سال است که در منطقه جانب اعراب را گرفته است. این استراتژی ها تقدر مبتنی بر واقعیات اقتصادی است که بر مقابله با گسترش نفوذ شوروی در کشورهای عرب. سوریه نیز بتواند یک کشور عربی، در این سیاست عربی فرانسه جای خود را دارد. نمی توان چنین کشوری را رها کرد تا هر چه بیشتر به سوی شرق به غلط.

عبدالحمید خدام در پاریس تکرار نکات وعده داد که سوریه همه امکانات

خود را برای رهایی همه گروگان های غربی در لبنان به کار خواهد برد. جالب اینجاست که معاون حافظ اسد، در مصاحبه ای با فیلیپ روشو (گزارشگر تلویزیون فرانسه که پس از صد و نصد روز اسارت به همراه همکاران دیگرش (زرزها نسن) به وساطت سوریه آزاد و از دمشق به پاریس پرواز کرد) بر این وعده ها تأکید می ورزید.

فرانسویان خوب می دانند که حزب الله لبنان، تحت نفوذ لقاات جمهوری اسلامی دست به گروگان گیری می زند. خبرهای رسیده هنوز حاکی از آنست که گروگان ها در اسارت حزب اللهی ها هستند. پس سوریه برای رهایی آنها با دیپلمات جمهوری اسلامی را جلب کند. فرستاده های حافظ اسد و جمهوری اسلامی

در رفت و آمدهای بی پایان میان دو کشور فرصت دارند تا گام های مهمی را در آزاد سازی گروگان ها گفتگو کنند. لحسن امیدوار خدام بیانگر همین امر است که نوعی توافق کلی صورت پذیرفته است. جمهوری اسلامی در چنان وضعی نابسامان و آسیب پذیری است که دیگر نمی تواند تحریف آخر را آن خود بداند. با این حال، فرانسویان سوریه را در اقدامات اخیرش در گسیل سوریه به محله غربی بیروت بسیار تشویق کرده اند. حضور پانصد سرباز سوریه در منطقه ای که زیر سیطره حزب الله بود، اراده سوریه را در گسترش قرا ر قبلی اش با تهران آشکار می کند. امروز، حزب الله مسلح در بیروت مزاحم سوریه است. آن ها را از آنجا تارنا شده و ظاهرا با قیام نامه حزب الله را نیز خواهد نند تا به تهران بفهماند که در لبنان سرانجام حرف آخر با سوریه است. سوریه نیز احتیاج مبرم به جلب محبت غرب دارد تا ازین بسست مرگبار بحران اقتصادی نجات یابد. آزاد سازی گروگان تهارشته کما بیش گسیخته این محبت را شاید بگذرد.

نامه ای از تهران

زبان دانی بزرگ

در گرمای شدید تهران بی ای بی وی برقی تقریبا "دانشی و کثافت و آلودگی محیط زیست عذاب آورده است. کثافت و آلودگی تهران برای کسانی که این شهر را ۸ سال پیش دیده اند بسیار دردناک نیست. از حدود دو هفته پیش بوی نفرت انگیزی مناطق وسیعی از تهران و به ویژه جنوب آن را فرا گرفته است. بویی شبیه به بوی گاز سمی یا تخم مرغ گندیده. مردم دلائل گوناگون در مورد منشاء این بوی آزار دهنده، آلودگی، گازهای نیم سوخته یا لایشگاه تهران، فاضل آب های روبا زوغیره، سرانجام مسئولان رژیم مجبور به افشای علت آن شدند و طی مصاحبه ای در تلویزیون دولتی گفتند چون کیسه پلاستیکی مخصوص زباله در تهران پیدا نمی شوند چاره زباله ها را در هوای آزاد و بیابان های اطراف تهران تخلیه می کنند. پیداست تل عظیم زباله های تهران که جمعیت آن از مرز ده میلیون نفر گذشته است زیر آفتاب داغ تابستان به چه منبعی از آلودگی های بیماری زا تبدیل می شود.

گرمای تهران طاقت فرسا است اما نه برای انواع حشرات و سوسک و مگس و موش که به لطف حکومت پرا دبار روح الله خمینی جا و مکانی مناسب برای تولید و تناسل و تکثیر و تغذیه یافته اند. قطع طولانی آب و برق، آتش خشم مردم را تیزتر کرده است. آخرین درگیری شدید ناشی از بی چه شب پیش در دولت آباد تهران بین ساکنان این محله و عوامل مسلح رژیم روی داد. باید دانست که خط لوله قطوری از جنوب تهران می گذرد که به شهر قسیم آب می رساند. مردم دولت آباد معتقدند که همین آب رسانی به قم باعث قطع آب تهران و "دولت آباد" شده است. آن ها می گویند چرا با اعمال نفوذ آیت الله حسینی منتظری و صادق خلغالی آب تهران با ید به قم جاری شود. از همین رو مردم مستأصل دولت آباد، با بیل و کلنگ

به خیابان ریختند و برای شکستن این لوله به کار بردند. سر رسیدن عوامل رژیم باعث درگیری های شدیدی شد که به خالت با ساران مسلح و مجروح شدن عده ای انجامید. اما رژیم که از هوشد در تنگناست سعی در چنین درگیری هایی را به سکوت برگذا رکنند و از همه گیر شدن آن ها جلوگیری کند. ولی واقعیت این است که نا رضائی آشکارا همه جا دیده می شود. اعتصاب بزرگان دیگر چیزی نبود که رژیم بتواند بر آن سرپوش بگذارد.

یک کارمند وزارت بازرگانی گفت: کارمندان اکنون اعتراض های خود را آشکارا بیان می کنند. کم کاری عمدی در ادارات دیگر امری عادی است، رژیم از گسترش موج اعتصاب در بین کارمندان بیم دارد. از همین رو اخیرا "ساعت کار و ورود و خروج کارمندان بشدت از سوی عوامل حزب اللهی کنترل میشود. از سوی دیگر، رژیم به بیانه ها و شکل های گوناگون به بیرون کردن کارمندان به گفته خود زاندر برداخته است و قصد دارد با یک تیر دو نشان بزند. از یک سو از هزینه های جاری خود بکاهد بلکه مرهمی بر زخم لاعلاج بی پولیش باشد و از سوی دیگر مخالفان خود را از سازمان های دولتی دور کند.

همه چیز جمهوری اسلامی در حال فرو ریختن است. آخرین افتخار در جمهوری اسلامی فرو ریختن ساختمان "مرکز ارتباط زمینی با ماهواره" متعلق به تلویزیون جمهوری اسلامی است. مردم سقوط این ساختمان عظیم را نشانه ای از سقوط رژیم می دانند. مسئولان جمهوری اسلامی این ساختمان را مصادف با ۲۲ بهمن ماه گذشته با کوس و کرنا افتتاح کردند. ساختمان عظیم مذکور با صرف ده ها میلیون دلار از خارجی و صدها میلیون تومان به عنوان مرکز ارتباط زمینی با ماهواره با کمک مهندسان آلمانی ساخته

بزرگداشت

قیام

۱۳۵۹

به منظور گرامی داشت خاطره قیام هیجده تیرماه ۱۳۵۹ و تجلیل از جان باختگان این قیام ملی، با نصدتن از هواداران نهضت مقاومت ملی ایران در جنوب کالیفرنیا وعده ای از نمایندگان

شد. ساختمان کروی شکل که روی چند میله فلزی قرار داشت، اما مقاومت خاک زیر میله ها به درستی محاسبه نشده بود. چند شب قبل میله های فلزی در خاک نرم کم مقاومت فرو رفت و ساختمان مرکز ارتباط زمینی با ماهواره سقوط کرد و هنگام افتادن آن تن بزرگ تماس با ماهواره را زیر وزن خود له کرد. نتیجه این که پوشش تلویزیونی روستا های ایران قطع شد و سازمان تلویزیون جمهوری اسلامی قادر به ارسال تصویر به روستا های دور افتاده ایران نیست. جالب این که به هنگام سقوط این ساختمان، آتشبارهای ضد هوایی تهران به صدا درآمد زیرا جمهوری اسلامی تصور کرده بود هواپیماهای عراقی مشغول بمباران ساختمان مرکز ارتباط زمینی با ماهواره هستند.

گروه های گوناگون سیاسی، ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه (۱۳ ژوئیه) در هتل "هالی دی این" در لوس آنجلس گرد هم آمدند.

پس از پیش سرود "مژ پزگهر" با هموایی حاضران، آقای مهرداد انوری رئیس جلسه، سخنانی در باره برگزاری این مراسم بیان داشت. آنگاه پیام دکتر شاپور بختیار که به همین مناسبت ایراد شده بود، خوانده شد.

مراسم گرامی داشت خاطره دلاوران قیام هیجده تیرماه که چهار ساعت بطول انجامید، شامل چند سخنرانی، نمایش فیلم از جریان با زپرسی آیت محقق و دلاوران قیام در پیدادگاه های جمهوری اسلامی و بحث آزاد در باره استمرار رومندومت مبارزات ملی گرایان و شعر خوانی بود. در این جلسه، حاضران به منظور ادای احترام به جان باختگان قیام هیجده تیرماه ۵۹ یک دقیقه سکوت کردند و آنگاه سخنرانان در باره اساس قیام و مسائل اپوزیسیون خارج از کشور مطالبی بیان داشتند. دوساعت پایانی این گردهمایی به بحث آزاد و گفت و شنود سیاسی اختصاص داشت.

در این بخش، آقایان دکتر حجت علی و منصور انوری به پرسش های حاضران پاسخ گفتند.

سخنرانان این جلسه آقایان علی مسعودی، دکتر محلو جیان، مهرداد انوری، حجت علی و فرهنگ فرهمی بودند. در ضمن این مراسم پرشور، اشعاری نیز از سروده های آقایان اسد تهران و "خروش" در ارتباط با قیام توسط سخنران قرائت شد.

موا د مرفی در تهران روز بروز شکل حادثتری بخود می گیرد. گاز و شیل که قبلا از خارج وارد می شد، اکنون به علت کمبود ارز به کلی نایاب است. قفسه های مغازه ها و سوپرمارکت ها خالی است. آنچه هم که پیدا شود، مردم از بیم قحطی احتمالی در چشم برهمن زدن تما مش می کنند. به کمبودهای قبلی اکنون کمیابی وسایل بهداشتی نیز اضافه شده است. با ورنگردنی است اما کارخانه های تولید خمیر دندان و شامپو به کلی در ایران تعطیل شده اند. رژیم

استفاده از جوش شیرین را بجای خمیر دندان تبلیغ می کند و بجای شامپو، به مردم توصیه می کند از نوعی ما بون نتراشیده که به ما بون مرغانه معسوف است استفاده کنند.



دربارهٔ اصحاب عمل

من یکی از علاقه‌مندان نشریه "قیام ایران" هستم و معمولا به محض دریافت آن، تمام مقاله‌ها و مطالبش را می‌خوانم. در شماره ۱۵۶ که هم اکنون در دست دارم، مقاله "اصحاب عمل از آقای هادی بهزاد را خواندم و بقدری از آن لذت بردم که فوراً تصمیم به نوشتن این نامه گرفتم. می‌خواستم به شما نویسنده محترم بگویم که متأسفانه من هم با این گروه که شما آن‌ها را "اصحاب عمل" نامیده‌اید برخورد داشته‌ام و خیالی سعی کرده‌ام که آن‌ها را از این اشتباه بیرون بیاورم، اما همانطور که می‌دانید کار بسیار سختی است. تنها سخن من با هموطنان عزیزم بیشتر با آن دسته از ایرانیانی که در خارج از زمین برمی‌برند، این است که سعی کنند هر چه بیشتر به مطالعه تاریخ بپردازند و درباره آن بیندیشند (بنده نیز مدت کوتاهی است که اینکار را شروع کرده‌ام و هر چه بیشتر می‌روم، نیاز خود را به دانستن آن بیشتر حس می‌کنم) که مطمئناً مفید واقع خواهد شد. اگر هر یک از ما که در گوشه‌ای از دنیای غرب بسر می‌بریم، سعی کنیم محیط خود را بشناسیم و زندگی مردم آنجا را مورد مطالعه قرار دهیم، یقیناً به این نتیجه خواهیم رسید، آنچه که می‌بینیم یعنی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، ... همگی حاصل وجود مگرایی است که متأسفانه ما فاقد آن هستیم ولی از طرف دیگر این فرصت را داریم که از تجربه دیگران که در پیش روی ما است استفاده کنیم. باید یاد بگیریم چگونه افکار و نظریات یکدیگر را تحمل کنیم و چگونه نسبت به خود و دیگران دمکرات باشیم. درباره آینده ایران که مسئله آینده فرد فرد ما است، احساس مسئولیت کنیم. وقتی در این راه موفق خواهیم بود که آرای مطالعه کافی و آموختگی فکری باشیم زیرا فقط از راه شناخت و آگاهی است که انسان می‌تواند درست را از نادرست تشخیص دهد. با آرزوی موفقیت بیشتر برای نویسندگان و مسئولان "قیام ایران".

فریبا م. از تورینو - ایتالیا

چرا در مادرید تشکیلات ندارید؟

محترماً "به استحضار می‌رساند که در صفحه ۱۱ شماره ۲۰ آن جریده شریفه فهرست و نشانی شاخه‌های نهضت مقاومت ملی ایران در سایر کشورهای به‌جا برسیده است. چنانچه از فهرست مزبور برمی‌آید نهضت مقاومت ملی ایران در اکثر کشورهای اروپائی دارای شاخه و تشکیلات است به استثنای اسپانیا. با در نظر گرفتن اینکه تعدادی قریب به شصت هزار ایرانی در اسپانیا (طبق آمار پلیس) زندگی می‌کنند، می‌خواستم از حضور شما در آنجا سؤال کنم چرا تا کنون نهضت مقاومت ملی ایران به فکر ایجاد تشکیلات در مادرید نیفتاده است؟

ضمناً چنانچه نامه مراد در آن نشریه چاپ فرمودید از فرصت استفاده کرده بسیار ممنون خواهم بود که خود شما

چاپ تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا در روشنی نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

با یکی از خوانندگان ارجمند قبول زحمت فرموده‌ام که شعر را که با مطلع زیر شروع می‌شود، به‌بندم معرفی فرمایید و ضمناً با زحم بسیار ترخواهم بود اگر بنویسند که متن کامل شعر مزبور را از کجا می‌توان به دست آورد. مطلع آن شعر چنین است: "آمد آن غنایم که تا از اصفهان بگریستم".

با درودهای بی‌پایان
آمنه نوری

قیام ایران - هموطن عزیز، آدرس پستی شاخه نهضت در اسپانیا در صفحه ۱۲ قیام چاپ شده است. اما دوستان هیئت تحریریه قیام متن کامل شعری را که مطلع آن را فرستاده‌اید نمی‌شناسند و نمی‌دانند شاعر آن چه کسی است.

دزد فیلسوف

نامه آقای امضاء محفوظ تحت عنوان "سفیر یاکدا من" در شماره ۲۳ مورخ ۱۲ تیر ۱۳۶۵ هفته نامه قیام ایران در تاریخ به‌نام اینجانب در دسترس قرار گرفت. سعید رجائی خراسانی سفیر مکتوبی امام جماران از فروشگاه الکسا ندر نیویورک به اشتباه یک شوخی بود تا یک مطلب جدی - اینجانب با خواندن این نامه به یاد گرفته‌ام که دوستی که چند سال قبل در وزارت ارشاد اسلامی مقامی داشت اقدام روی می‌گفت در اوائل انقلاب منحوس خمینی و شرکاء هنگامیکه جریان کشتار و قتل عام و اعدام‌های بدون محاکمه یا لا گرفت و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های خارجی شروع به گزارش قسمتی از این آدم‌کشی‌ها نمودند بنا به پیشنهاد "حجت الاسلام والمسلمین" هادی خسروشاهی مشاور و روفت وزیر ارشاد اسلامی و سفیر بعدی جمهوری ملاحظه در واتیکان و رهبر کل تروریست‌های خمینی در اروپا جلسه‌ای از نمایندگان وزارت ارشاد اسلامی، وزارت امور خارجه، نمایندگان انجمن‌های اسلامی در خارج و قسمت‌موربین المللی سیاه‌پاسداران در وزارت ارشاد اسلامی تشکیل شد تا راه‌مبارزه با درجه اینگونه مطالب در مطبوعات و رادیو و تلویزیون برای این شد که نمایندگان از "بسیراداران حزب الله" که شناختی به زبان‌های خارجی دارند به کشورهای خارج، خصوصاً اروپا و آمریکا اعزام کردند و این افراد موظف بودند تحت عناوین مستعار خود رایی طرف‌ها نمودن و به‌جا سخاوتهای مطالب مندرج در مطبوعات خارجی در مورد جنایات ملایان بپردازند، ولی ما موریت این افراد که نه‌سواد در دست حسابی داشتند و نه زبان درست میدانستند با شکست روبرو شدند و مطبوعات خارجی نه تنها به مطالب رسالتی آنها توجه نکردند بلکه حتی از چاپ مخرقاتی که وزارت ارشاد اسلامی از تهران بسرای این افراد به‌زبان‌های خارجی می‌فرستاد تا با همان اسامی مستعار روبرو شوند افراد بی طرف به مطبوعات مزبور بدهند خودداری نمودند (...)

با توجه به مطالب مندرج در نامه آقای امضاء محفوظ سعی و کوشش بی‌حاصل ایشان در برابرت سفیر پالتودز معلوم می‌شود که نویسنده دفاعیه از "سفیر یاکدا من" از همین شیوه استفاده کرده است (...)

ولی مطلب اصلی که ایشان خواسته‌اند در نامشان ثابت کنند اینست که آقای سعید رجائی خراسانی در فلسفه‌فائل یعنی فیلسوف و در زبان ما هر یعنی زبان دان و

بطور کلی دانشمند و بعنوان یک انسان، یاکدا من و کا ملا" میرا از این حرف‌های گودکا نه بارانی دزدی هستند".

ضمناً به اینجانب یادآوری نموده‌اند که این آقای دکتر سعید رجائی خراسانی که در نیویورک بارانی دزدیده‌اند آن سعید رجائی خراسانی معلم دهات مشهد نیستند. اینجانب حرفی ندا ر که مطلب ایشان را قبول کنم ولی قبول این مطلب نه تنها از قبیح عمل سعید رجائی خراسانی نمی‌گاید بلکه قبیح آن را چندین برابر می‌نماید زیرا چطور یک فرد تحصیل کرده و فاضل در فلسفه و ما هر دلالت‌شناسی (البته به قول ایشان) با این پست و مقام عالی و حساس بخود اجازه می‌دهد یک بارانی صد دلاری از فروشگاه الکسا ندر نیویورک، بزدند؟!

ضمناً یادآوری شوم که "این حرف‌های گودکا نه بارانی دزدی" اختراع ریوش‌ها نیست. این مطلبی است که در دهها روزنامه و مجله خارجی از آمریکا تا اروپا و از فریقا تا آسیا چاپ شده و کوس رسوائی سعید رجائی خراسانی در سراسر جهان زده شده است و هیچ احتیاجی نیست که برای بدنام کردن ایشان به راه‌های دیگری متوسل شد. کدام بدنامی و تنگی از این بدتر که سفیری از فروشگاه‌ها یک بارانی صد دلاری بزدند؟

آقای امضاء محفوظ شما که در خارج زندگی می‌کنید خوب بود بخود زحمت می‌دادید و به یک فروشگاه در محل اقامت‌تان تشریف می‌بردید و سؤال می‌کردید که تحت چه شرایطی ما مورین فروشگاه‌ها اجازه دارند فردی را دستگیر نمایند و اگر اشتباه کنند قانون با آن‌ها چه خواهد کرد؟ میدانید تنها هل می‌کنید ...

دا ریوش‌ها هین

آدم شدن چه مشکل!

در صفحه نامه‌ها و نوشته‌ها، بزرگواری با "امضاء محفوظ" از آقای رجائی خراسانی سفیر خمینی در سازمان ملل متحد به دفاع پرداخته است که با بهره‌آوری از علم لغت و فلسفه دارد و نتیجه گرفته است که این‌ها (دزدی بارانی از یک فروشگاه نیویورک) به‌یوه نمی‌چسبند. اما دفاعیه آقای امضاء محفوظ از "سفیر یاکدا من" پرسش‌هایی برای من به‌وجود آورده است. ایشان با همه "تقوی و تمهید دینداری" (اصفا تی که آقای خا منای رئیس جمهوری درباره سفیر یاکدا من بکار برده است) در ده نگاه "ظا غوثی" تریز، در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی چه می‌کرده است؟ علاوه بر آن، با استفاده از کدام مقررات ظا غوثی به انگلستان رفت و به‌جا درجه فوق لیسانس و دکتری تا دل آمد؟

این از آن روزگار آن سفیر یاکدا من، اما حال اگر براساسی این مرد ارضائیل انسانی برخورد را ست چگونه راه‌های می‌شود در خدمت رژیم یا شد که رویات لرزاننده خونخوار رگش دنیسار را برداشته است؟

گرییم دفاعیه آقای امضاء محفوظ از "سفیر یاکدا من" برحق و درست است. یعنی ایشان لغت‌شناس و فیلسوف است. اما آنچه آدمی را در معرض قضاوت قرار می‌دهد کردار اوست. آقای رجائی خراسانی که بقول آقای امضاء محفوظ با گروه خاصی از فلسطینی‌ها مرتبط بود و با اخوان المسلمین هم سرورسوری داشت و امروز نیز مدافع جنایات هولناک رژیم خمینی است که ش قسط همان گناه کوچک بارانی دزدی از وی سرمی زد و چنین پرونده سیاهی‌داشت. مثال این سفیر یاکدا من، ما را به یاد مثل عامیانه‌ای می‌اندازد که می‌گوید: ملا شدن چه آسان - آدم شدن چه مشکل!

آلمان - رحمانی

اعتصام‌های دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان

بالا می‌گیرد

بقیه از صفحه ۳

آن‌ها، در نظر دارندها اروپا ضد پزشکان هندوستان استخدام کند. اعتبار ۱۴ ژوئیه پزشکان در ایران، در رساله‌های گروهی جهان، با زتاب یافته است.

"لیبراسیون"، در شماره مورخ ۱۸ ژوئیه خود زیر عنوان "نظام پزشکی ایران علیه نظام اسلامی به‌جا ساخته است"، می‌نویسد: رژیم اسلامی، نخستین اعتبار حرفه‌ای سراسری را از سال ۱۳۵۷ تا کنون تجربه کرد. روز ۱۴ ژوئیه، پزشکان ایران و کارکنان سایر رشته‌های پزشکی دست به اعتصاب زدند و رژیم اسلامی را به مبارزه فراخواندند. گزارش‌های مستند حاکی است که ۹۰ درصد پزشکان و کسانیکه در حرفه‌های پزشکی شاغلند، در اعتصاب شرکت کردند.

لیبراسیون می‌افزاید: پزشکان ایران، اینک سرسختانه در برابر رژیم اسلامی باینداری می‌کنند. آن‌ها به با زداشت رئیس‌نظام پزشکی، دکتر محمد علی حقیقی، سه پزشک دیگر و همچنین به انتصاب دکتر منافی به ریاست نظام، به‌رغم قوانین موجود به شدت اعتراض کرده‌اند.

روزنامه لیبراسیون در ادامه گزارش می‌نویسد: پزشکان ایران، با اعتصاب سراسری خود، در حقیقت، به محدودیت‌های هر چه بیشتری که رژیم اسلامی علیه حرفه‌های پزشکی، اعمال می‌کند، نیز اعتراض کرده‌اند.

ده‌ها پزشک بیمارستان، در چند ماه گذشته، هدف حمله و هجوم‌های خوشنما عنامر واپس‌گرای اسلامی که علیه پزشکان تجهیز شده‌اند، قرار گرفته‌اند و رژیم اسلامی نبردهای غیرعادی را علیه این "صنف غریب‌زده" راه انداخته است. رژیم، پزشکان را عناصری می‌خواند.

لیبراسیون در پایان می‌نویسد: هرگاه دکتر حقیقی و همکارانش در چند روز آینده از بند توقیف آزاد شوند، نظام پزشکی این بار، یک اعتبار ۲۷ ساله در نیمه دوم ماه اوت به‌را خواهد انداخت.

رادیو اسرائیل - ۱۸ ژوئیه

● حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۲۷ تیرماه اعتبار اخیر پزشکان را یک توطئه خراسانی توصیف کرد و اعتبار بیون را افشاد فریب‌خورده لقب داد. وی این اقدام را توطئه‌ای علیه رژیم دانست و افزود: برنا هر چیزی دقیق بود، ولی خنثی گردید. حجت الاسلام رفسنجانی پزشکان را مورد تهدید قرار داد و گفت: مردم از اعتبار چند دکتر از جاسار، نمی‌روند، و افزود آن‌ها که می‌خواهند اعتبار کنند بروند، آنها دیگر جای دربارین مملکت ندارند.

گزارش‌های قبلی حاکی از آن بود که از هنگام به‌روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران هزاران پزشک کشور را ترک گفته‌اند و ایران با کمبود شدید پزشک و خدمات درمانی روبرو می‌باشد. بنا بر همین گزارش‌ها رفسنجانی از تهران که در ای ۸ هزار پزشک می‌باشد، تعداد پزشکان ایرانی در سراسر کشور از ۶ هزار نفرترجا و زنی‌کند. به عبارتی دیگر در خارج از تهران هر پزشک مسئول درمان یک جمعیت ۱۵ هزار نفری می‌باشد. حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه ۲۷ تیرماه، تاکید کرد که پزشکان در ایران امتیازات متعدد دارند، و مردمی که برای رژیم فرزندان و تمام هستی خود را تقدیم می‌کنند افرادی نیستند که اگر دکتران هارا معالجه نکند غمخوار شوند.

● روز دوشنبه ۲۱ ژوئیه از تهران گزارش رسیده است که پزشکان تهران از امروز به مدت ۴۸ ساعت، بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

پزشکان تهران ادامه به با زداشت دکتر پروفیسور شمس، دکتر ملک و دکتر برومند توسط رژیم اسلامی را محکوم کردند و بنا به اعلام قبلی از امروز بار دیگر به مدت ۴۸ ساعت بعنوان اعتراض به جمهوری اسلامی دست‌ازکار کشیدند.

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

پیشنهاد ترومن و چرچیل

دکتر مصدق در آغاز دومین دوره زمامداری خود به علت دوپیش آمد یعنی وقوع جنبش پرشور ملی در تابستان ۱۳۰۲ حکومت او و صدور رای دیوان دادگستری بین المللی به نفع ایران انتظار داشت که شرکت نفت و دولتی انگلیس با پیشنهاد دقایق قبول تری پیش خواهد آمد. اما چون چنین نشد او با این تصور که اگر دولت ایران پیش قدم شود آن ها واکنش مسا عدی نشان خواهند داد در هفته اول مرداد با کاردار سفارت انگلیس به مذاکره پرداخت. درباراً این اخذ تماس خبری جزئی حدسیات در باره امکان ارجاع اختلاف به داور منصف نشد. ولی معلوم گردید که سفیر امریکا نیز در مذاکرات شرکت داده و چرچیل گفتگوهایی با انگلیس و امریکا اطلاع داده می شود. در تاریخ ۱۶ مرداد وزارت امور خارجه یادداشتی به سفارت انگلیس فرستاد ولی مضمون آن هیچگونه پیشرفتی در مذاکرات با طرح راه حل جدیدی را نشان نمی داد. بلکه به برعکس معلوم می ساخت که اختلاف طرفین بهمان شدت سابق باقی است. قسمت عمده یادداشت مزبور عبارت از شکایت ایران از روش شرکت نفت و دولتی انگلیس مخصوصاً در جلوگیری از معاملات شرکت ملی خودداری از پرداخت وجوه متعلق به ایران، و ایجاد اشکالات مالی دیگر بود. آنجا هم که یادداشت اشاره به لزوم حل اختلاف می کرد راهی برای انجام این منظور جز تصیبات از قانون نه ماهه ای که ممکن نبود مورد موافقت طرف قرار گیرد ارائه نمی نمود حتی یادداشت با عبارات تهدیدآمیزی بشرح زیر ختم می شد. "لزوماً متذکر می شود چنانچه در پرداخت وجوه متعلق به دولت ایران از طرف بانک های انگلیس و شرکت سابق تاء خیر و مساعدت شود و یا شرکت سابق و دولت انگلستان اقدامات نامشروع خود را به هر صورت که باشد تعلیه ایران ادامه دهند مسئولیت کلیه اقدامات مزبور و خسارات ناشی از آن من جمیع الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نفت خواهد بود."

منظور دولت از فرستادن این یادداشت فقط اتمام حجت بود. زیرا دکتر مصدق بخوبی می دانست که کاردار سفارت انگلیس تا چه حد با نهضت ملی و با شخصی و مخالفت می ورزید بطوری که اسناد و مدارک مربوطه نشان می دهد مگاتبات سفارت و وزارت امور خارجه انگلیس در تمام آن مدت بر محور عدم آمادگی دولت انگلیس به سازش با دکتر مصدق، زمینه سازی برای ساقط نمودن حکومت او و تحریک شاه به عزل او دور می زد. بعنوان نمونه ای از گزارش های سفارت انگلیس قسمت هایی از نامه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۵۲ (۱۳ خرداد ۱۳۳۱) میدلتون (MIDDLETON) به وزارت امور خارجه انگلیس را نقل می کنیم:

"طی گزارش صرف شام با شاه در سعاد آباد" به نظر من شاه وضع روایا واقع بینی بیشتری نکرد. مثلاً تمهید کرد که نهضت ملی که شاید بخودی خود چیزی مطلوبی باشد، مصدق و هواخواهان آن را منحرف کرده اند. و شاید بهتر بود خود او (شاه) نقشی فعال تری بعهده گرفته و نهضت را به مجرای مفیدی سوق داده بود. شاه، همچنین اظهار تاء سف کرد از اینکه ایران از نظر دیپلماتیک عملاً تنها شده است و تصدیق کرد که در دنیا ای امروز بیطرفی واقعی وجود ندارد. او صبر و حوصله ما را تصحیح کرد و گفت، بنظر او امروز احساسات ضد انگلیسی از شما قبیل خیلی کمتر است. بعد گفتگوهایی که مشخص تر کنید. شاه پرسید: آیا همانطور که دکتر مصدق به او اطمینان داده بود ما قصد داریم در راه مذاکرات مستقیم بپردازیم. من گفتم گمان نمی کنم این مطلب صحیح باشد. دلایل آن را هم ذکر کردم و گفتم بنظر من سعی در رسیدن به توافق با مصدق بی فایده است. چون او به احتمال قوی هر چه را با آن موافقت کند بعد رد خواهد کرد... ضمناً من با استفاده از فرستاد به شاه توضیح دادم که بنظر من در طی یک سال گذشته وضع ایران از لحاظ مذاکره با طرف بسیار ضعیف تر شده است زیرا ما ایده ای که می توانیم از نفت ایران صرف نظر کنیم و سیاست منفی دکتر مصدق با عث ایجاد رقابت شدیدی از جانب کشورهای دیگر در منطقه خلیج فارس شده است. بنا بر این برای ایران بسیار مشکل خواهد بود که حتی در مساعده ترین شرایط درآینده قابل پیش بینی بتواند به وضع گذشته خود که قریب ۴۰ درصد نفت خاورمیانه را تولید می کرد بازگشت کند... بر روی هم من این تصور احساس کردم که اگرچه شاه حالا مضار سیاست نفتی مصدق را برای کشورش با واقع بینی بیشتر درک می کند ولی مثل همیشه در اینکه نقش خود او چه باید باشد مردد است. (۱)

در این هنگام طرفین به اندازه ای از یکدیگر فاصله داشتند که وضع به نفع کسی کشیده بود. اما با ردیگر مداخله دولت امریکا مانع از آن شده که ارتباط آنها یکباره قطع شود.

بدینوسیله دکتر مصدق در باره دولت انگلیس بسیار خوش بینی نسبی در باره دولت امریکا همراه بود و هر بار که سخنی از وساطت امریکا به میان می آمد در محافل طرفدار دولت امیدواری تازه ای به حل اختلاف پیدا می شد. اما این خوش بینی بيمورد بود چون دولت امریکا هیچ گاه تمام به نفع ایران مداخله نمی کرد. این نکته کاملاً واضح بود که شرکت های بزرگ نفت امریکا چون پیشرفت سیاست نفتی ایران را موجب تزلزل قراردادهای خود در سایر کشورهای می دانستند نفوذ در دستگاه دولت امریکا به نفع شرکت سابق به کار می بردند. اما حتی تا آن حد که دولت امریکا اعتقاد به حقانیت ایران و قصد مساعدت به ایران داشت با مقاومت و سرسختی

نواد روحانی

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست انگلیس و امریکا بر ضد مصدق

شرکت نفت و دولت انگلیس روبروی شد. مثلاً وقتی دولت امریکا به دولت انگلیس گوشزد می کرد که عدم سازش با ایران به پیشرفت کمونیسم کمک خواهد کرد، انگلیس ها وجود این خطر را تصدیق نمی کردند و می گفتند ایران در هر حال تا یک سال دیگر نمی تواند ایستادگی به خرج دهد و در آن مدت ممکن است تغییراتی رخ دهد و بنا بر این مساعدت مالی از طرف دولت امریکا به ایران ضرورت ندارد. یا مثلاً دولت امریکا توصیه می کرد که شرکت سابق مقدار دو میلیون تن نفت موجود در مخازن آبادان را به بهای بین المللی خریداری کند تا گشایشی برای ایران حاصل شود. ولی شرکت سابق با پیشنهادی برای دولت انگلیس از قبول این پیشنهاد مگردر شرایطی غیر از آنچه در قانون ملی مقرر شده بود امتناع می کرد.

طی مرداد ماه شایعه قصد امریکا به مداخله مجدد در نفت ایران در محافل تهران قوت گرفت. تماس دولت ایران با سفرای انگلیس و امریکا اینگونه تعبیری شد که مذاکرات فیما بین به صورت مثلثی درآمده که راه آن دروا شگفتن و قاعده آن در تهران و لندن است و انتظار می رفت که نتیجه این مذاکرات به زودی به شکل پیشنهاد جدیدی ظاهر خواهد شد. بالاخره این پیش بینی در اوایل شهریور ۱۳۳۱ بوقوع پیوست. به این معنی که روز ۵ شهریور سفیر امریکا و کاردار سفارت انگلیس نزد دکتر مصدق رفتند و پیاپی به شرح زیر از جانب رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلستان به او تسلیم کردند.

"اینجا بنیان تلگراف های واصله از سفارت های کبرای مربوطه خود را در ایران در باره مذاکرات اخیر که با جناب عالی به عمل آمده است و همچنین یادداشتی را که در ۱۷ اوت ۱۹۵۲ (۱۶ مرداد ۱۳۳۱) به عنوان دولت علیا حضرت ملکه انگلستان ارسال داشته بودید مورد مطالعه قرار داده ایم. بنظر اینجا نیسان مطلب روشن است که حل رضایت بخش مسئله نفت مستلزم اقدام فوری از طرف هر سه دولت خواهد بود.

اینک پیشنهاد اقداماتی را که دولتین ما حاضرند بعمل آورند به ضمیمه ارسال می داریم و میبایست امیدواریم که مورد تصویب آن جناب واقع شود و منتج به حصول رضایت بخش موضوع گردد.

محرم ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت به ملت و مردم ایران داریم و قلباً آرزو مندیم هر چه زودتر موجدات حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم. امضاء: هری اس ترومن - وینستون اس چرچیل.

ضمیمه

۱ - موضوع غرامتی که با بت ملی شدن موء سسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در ایران با دید برداخت شود با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است و با توجه به کلیه دعاوی و دعاوی متقابل طرفین به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

۲ - نمایندگان مناسبی از طرف دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین خواهند شد که با یکدیگر مذاکره کنند و ترتیب جریان نفت را از ایران به سه با زارهای دنیا بدهند.

۳ - چنانچه دولت ایران با پیشنهاد های مندرج شده در دو بند فوق موافقت فرماید:

الف - نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در ایران ذخیره است اقدام به تهیه وسایل لازم خواهند نمود. و همچنین موافقت هایی در باره قیمت حاصل شود و شرایط فنی برای با رگیری اجازه دهد با بت هر مقدار نفتی که بتواند هر چه زودتر حمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهد آمد.

ب - دولت علیا حضرت ملکه انگلستان با سه راهی تصفیقات موجوده نسبت به مادات (گال) را به ایران و نسبت به استفاده ایران از (وجوه) استرلینگ مریغ خواهد ساخت.

ج - دولت کشورهای متحده امریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلاعوض به دولت ایران برای کمک در رفع مشکلات بودجه ای آن دولت خواهد پرداخت.

دکتر مصدق در همان نظراول پیشنهادها دبا لارا غیر قابل قبول تشخیص داد و چنین ایراد کرد که دولت های انگلیس و امریکا می خواهند یک مسئله خصوصی بین دولت ایران و یک شرکت تجاری را مبدل به یک مسئله بین المللی کنند و دولت ایران نمی تواند یک چنین تغییر ما هیت اختلاف را قبول کند. وزیر امور خارجه امریکا سعی کرد او را متقاعد کند که پیام مشترک دولتین وسیله ای برای رسیدن به نتیجه مطلوب خواهد بود. ولی دکتر مصدق قانع نشد و در تاریخ ۱۶ شهریور علل عدم موافقت خود را طی اعلامیه ای بیان نمود. ما خلاصه مندرجات اعلامیه را نقل می کنیم.

غرامت

اولاً بعد از صدور قرار عدم صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی هیچ مرجعی جز دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارد حال اگر مدعی بخواهد موضوع را در دادگاه دیگری طرح کند البته موافقت طرف دیگر لازم می آید و مدعی برای جلب چنین موافقت باید تصریح کند که چه موضوع هایی را می خواهد در دادخواست خود بگنجاند. فقط چنانچه مدعی علیه با طرح چنین موضوعات اصولاً موافقت داشته باشد رجوع اختلاف به دادگاه دیگر امکان پذیر خواهد بود. ثانیاً "شرط" با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن برای ایران قابل قبول نیست. چون دولت ایران قرار داد متی ۱۳۱۲ را باطل می داند.

جریان نفت

اگر منظور فروش نفت موجود در مخازن و تولیدات آینده از طرف شرکت ملی به نرخ بین المللی باشد دولت ایران همیشه با آن موافق بوده و هست. ولی دولت نمی تواند نسبتاً تمیزی موافقت کند که نفت به قیمتی غیر از قیمت بین المللی بفروش رسد و در راه صنعت نفت در دست دیگران قرار گیرد.

رفع تضییقات

این قسمت پیشنهادها در دولت ایران توهین آمیز تلقی نمود. یعنی اظهار کرد معنی آن اینست که دولت انگلیس تا کنون همه گونه فشار و غیرقانونی به دولت و ملت ایران وارد آورده ولی اینک می گوید اگر به شرایط پیشنهادی من عمل کنید از این به بعد از فشار و سخت گیری های خود خواهم کاست.

اعلامیه دولت رد پیشنهاد مذکور در پیاپی مشترک را به این عبارت بیان کرد:

"برای دولت انگلستان چنین تصوری حاصل شده که در نتیجه تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران به آن درجه از استیصال رسیده اند که به قبول هر قسم شرایطی حاضر شده و به معامله اضطراری گردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران به هیچ قیمتی به قبول شرایط ناروا که به استقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای نخواسته به حیثیت و شرافت ملت ایران لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد..."

دکتر مصدق هر چند با سخ کتبی به پیام مشترک ننهاد. ولی گزارشی در باره آن همراه با اعلامیه بالا به مجلس شورا فرستاد. مندرجات گزارش:

تحت عنوان یادآوری شرایطی که حل اختلاف را ممکن خواهد ساخت در واقع پیشنهادی در باره برپیش نهادن پیام مشترک متضمن اصول زیر طرح می کرد:

۱ - دادگاه های ایران آماده رسیدگی به دعاوی شرکت سابق می باشند اما اگر شرکت نخواهد در ایران اقدام دعا کند دولت ایران حاضر خواهد بود به قضایات دیوان لاهه رضایت دهد بشرط حصول توافق در مسائل زیر: تعیین میزان و طرز پرداخت غرامت بر اساس هر قانونی که در یکی از کشورهای برای ملی کردن صنایع ملای عمل قرار داده شده و مورد قبول شرکت باشد، رسیدگی به دعاوی طرفین برپایه دوام خذ زیر:

۱ - از تاریخ قرارداد ۱۳۱۲ تا تاریخ قرارداد الحاقی ۱۳۲۶ بر طبق قرارداد امتیازاتی تاریخ قسب قرارداد الحاقی تا تصویب قانون ملی شدن بر طبق شرایط قرارداد الحاقی که مورد قبول شرکت بوده است، تعیین میزان خسارات مختلفی که شرکت نفت و دولت انگلیس به ایران وارد آورده اند، پرداخت مبلغ ۴۹ میلیون لیره بعنوان علی الحساب که شرکت سابق این مبلغ را در ترانزانتا مه سال ۱۹۵۰ خود

با بت وجوه قابل پرداخت به ایران به حساب آورده بود. گزارش دولت با اظهاراتی که متضمن تهدید قطع رابطه سیاسی با انگلستان بود به شرح زیر بیان می یافت.

"چنانچه سیاست انگلیس بخواهد پیش از این با امرار وقت ارسال یادداشت های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد ما در صورتی که دولت نسبت به ایران دوستانه نیست و حال آنکه غرض از ادامه مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین و ایجاد روابط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامه مناسبات سیاسی برای طرفین حاصل نخواهد داشت. لذا دولت ایران به خود حق می دهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی هر چند منجر به قطع روابط سیاسی شود قروگذار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیشامدی البته به عهده دولت انگلیس خواهد بود."

۲ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

۳ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

۴ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

۵ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

دیپلماتهای خمینی

بقیه از صفحه ۵

عملیات تروریستی وجود دارد. معروف ترین آن ها اردوگاه سابق پیشاهنگی منظریه در نیاوران است. اردوگاه صالح آباد قم بخاطر آموزش تروریست های انتحاری شهرت دارد. با پیدای اردوگاه "بهشتیه" که مخصوص آموزش زنان است و تحت سرپرستی زهرارهنورد همسر میرحسین موسوی قرار دارد نیز نام برد.

در لبنان، دوچهره بنتی دگرای مسلمان طرفدار جمهوری اسلامی عیار نشانداز: شیخ محمدحسین فضل الله وحسین موسوی.

شیخ فضل الله در سال ۱۹۲۵ در عراق به دنیا آمد در سال ۱۹۶۶ وارد لبنان شد. وی به خمینی لبنان شهرت دارد و یکی از رؤسای حزب الله لبنان است.

میرحسین موسوی آموزگار سابق که از جنبش شیعیان اهل بهربری نیبه بری منشعب شده است، سازمان اهل الله را بنیاد گذاشته که همراه با حزب الله به نام سازمان جهاد اسلامی، عملیات تروریستی متعددی انجام داده اند.

حسین موسوی مسئول عملیات تروریستی مرگبار سال ۱۹۸۳ علیه مقر تفنگداران دریایی آمریکا و سربازان فرانسوی

در لبنان است. که سرانجام منجر به بمباران انتقام جویانه سرپا زخا نه های بعلبک از سوی هواپیما های "سوپر اتاندر" فرانسوی شد.

شیخ صبحی طفیلی و شیخ حسن نصرالله نیز در وقت دیگر از بنیادگرایان سازمان اهل الله هستند. شیخ فضل الله و حسین موسوی با رها به تهران سفر کرده اند و با سید علی خامنه ای و دیگر رهبران جمهوری اسلامی دیدار کرده اند. سال گذشته مجلس شورای اسلامی موافقت کرد صد میلیون دلار در اختیار بنیادگرایان اسلامی لبنان قرار گیرد.

به نوشته هفته نامه "اسپکتاکل" دوموند ارتباط بین حزب اللهی های لبنان و ایرانی به وسیله "فاضل مرندی" تأمین می گردد.

آخوند فاضل مرندی قبل از انقلاب اسلامی عضو سازمان مجاهدین خلق بود اما پس از جدائی سازمان مجاهدین از رژیم اسلامی وی به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پیوست. فاضل مرندی یکی از هفت پایه گذار "سوا" است و یکی از پرنفوذترین مقامات سپاه پاسداران است. برادرزاده وی "حسن مرندی" یکی از چهار نفر مسئول قتل حسنعلی

سنور، نخست وزیر پیشین ایران است.

در این میان دو کشور، جمهوری اسلامی حمایت می کنند: سوریه، که با نظر موافق شورای اسلحه و اطلاعات در اختیار جمهوری اسلامی می گذارد و لیبی که روابط تنگاتنگی با جمهوری اسلامی دارد. در ژوئن ۱۹۸۴ هاشمی رفسنجانی در دیدار خود از لیبی با قذافی، بنه توافق رسیدند که "یک اتحادیه انقلابی اسلامی جهان" و "ارتش قدس" تشکیل دهند. در اوایل فوریه ۱۹۸۵ خلیجی رئیس سازمان اخوان المسلمین ایران در آس هیئت مهمی به لیبی رفت. یک ماه بعد حسین شیخ الاسلام در آس هیئت دیگری در لیبی با قذافی دیدار کرد.

سبب پیگاه اصلی شبکه های تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا عبارتند از: پاریس، هامبورگ و رم که از ماه پیش بروکسل، پایتخت بلژیک نیز به آن اضافه شده است.

نکته ای که بعد از انفجارهای چندی پیش پاریس از نظر دورمانند، آن بود که "ناصر دیا فی" راننده اتوموبیل اوپل قرمزی که چندی پیش در پاریس از چنگ پلیس فرانسه فرار کرد و در اتوموبیلش سلاح های ساخت چکسلواکی بدست آمد، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی "وراند" آن اتوموبیل فاضل مرندی بوده است و جالب آن که هفته قبل از انفجارها، فاضل مرندی در پاریس دیده شد.

سال گذشته سفارت جمهوری اسلامی در پاریس تعداد دوازده تن ایرانی را در فرانسه بالغ بر ۱۲ هزار نفر اعلام کرد که تنها نیمی از آنان در کلاسهای درس

حاضر می شوند. به احتمال فراوان عده زیادی از آنان عوامل جمهوری اسلامی هستند که تحت فرماندهی سرهنگ فصیحی قرار داشتند که ۳ سال پیش از فرانسه اخراج شد.

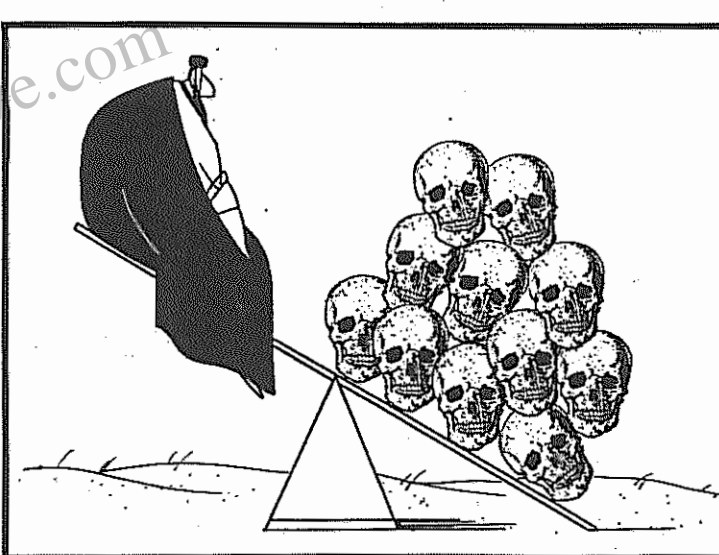
دانشجویان طرفدار جمهوری اسلامی در سه سال زمان به اسمی "انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در فرانسه" - "دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه" و "انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه" تمرکز یافته اند و فعالیت های آن ها به نفع جمهوری اسلامی برکسی پوشیده نیست.

علیرضا معیری کاردار پیشین سفارت جمهوری اسلامی در پاریس نیز از گروه گران کبریا دیپلمات های آمریکا بود. او در سال ۱۹۸۱ عضو کمیسیون سازمان دهی ساوا و با بودا زتابستان تا زمان حمله اسرائیل به لبنان، تا اوت ۱۹۸۴ که به پاریس آمد، در "دره بقاع سرپرستی پاسداران جمهوری اسلامی را برعهده داشت. وی اکنون معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی در امور مبنی است. ما موریت رسمی وی هماهنگ کردن عملیات تروریستی در خارج از ایران است.

"هنده خمینی" برادرزاده خمینی نیز در فرانسه است. وی رسماً "سرپرستی خبرگزاری جمهوری اسلامی را در پاریس برعهده دارد. اما معلوم نیست کسی که نه فرانسه میداند و نه انگلیسی در پوش این سمت چه اهدافی را دنبال می کند (۱۰۰)

ما هنگامه اسپکتاکل دوموند - ماه ژوئیه ۸۶

جامعه آرمانی "امام"



بقیه از صفحه ۱

طبق فرمایشات آقای خامنه ای این استعمار علیه ما علیه بود که با روش مودیانه ای در قرن اخیر توی جلد مردم مسلمان ایران رفت و به آن ها یاد داد که میشود پیراهن کرباس و شلوار قدک پاچه گشاد و گیوه آجیده و کلاه نمدی را کتا رگذاشت و کت و شلوار پوشید، شلیقه و تنبان را به بلوز و دامن تبدیل کرد، میشود غیر از بدوغ خیابان و پنیر و حلوا رده و آبگوشت و دمپختک غذا های دیگری هم خورد، میشود بر سر سفره جلوی هر کس بشقابی علیحده گذاشت و از قاشق و چنگال نفرت داشت، میشود عوض الاغ اتوموبیل سوار شد، میشود خانه را از آغل جدا کرد، میشود در رختخواب تمیز خوابید، میشود از زشیش و مگس و سوک و موش فاصله گرفت، میشود در خانه حمام و یخچال و اجاق گاز داشت ...

بنا بر این، حال که خداوند تفضل کرده و عنان قدرت را در کشور اسلامی بدست علمای اعلام سپرده است، بکوری چشم استعمار و استعمار رو استکبار رهمی این مظاهر زشت زندگی طاغوتی را باید دور ریخت و آسوده شد: "دارنده مباحش، از بلا رستی"

حجت الاسلام والمسلمین، پرزیدنت خامنه ای، برای اینکه مردم ایران متوجه باشند مسأله جدی است و دولت اسلامی تصمیم نداد در ردین مرحله به شعاری کلی اکتفا کند، در خطبه نماز جمعه فهرستی هم از موارد اسراف و تبذیر

ارائه داد.

حجت الاسلام گفت: "چند محور را بعنوان مثال انتخاب کرده ام که در این موارد اگر همه ما خودمان را مقید به صرفه جوئی کنیم تدریجاً زمین ریشه کن شدن اسراف در جامعه فراهم خواهد شد. این زمینه های عمده عبارتند از: خوراک، پوشاک، آب و برق، وسائل خانه، سوخت، حمل و نقل و مرکب سواری و بعضی زمسائل دیگر که البته تکرار می کنم موارد فقط این ها نیست. مواردی که میشود در آنها صرفه جوئی کرد چندین برابر آن چیزها بی است که عرض خواهم کرد ..."

عبید می گوید: "چنازه ای را برای می بردند، درویشی با سپر بر سر راهیستاده بود. پسر از پدر پرسید که با درایسن چیست؟ گفت آدمی. گفت گجایش میبرد؟ گفت بجایی که نه خوردنی باشد و نه پوشیدنی، نه نان و نه آب، نه هیضم، نه آش، نه زهر، نه سم، نه بوریا، نه گلیم ... گفت با ما مگر بخانه ما میبرند؟ جامعه آرمانی امام خمینی هم دارای چنین مشخصاتی است و به فرمایش آقای خامنه ای جایی است که مردم با ید از خوراک، پوشاک، آب و برق، وسائل خانه، سوخت، حمل و نقل و مرکب سواری چشم ببوشند. اما ملت ایران همینطور مفت و مسلم به دروازه های جامعه آرمانی نرسیده است. واقعا "کار آسانی نبوده کشور سالانه فقط بیست میلیارد دلار درآمد نفتی داشته باشد و به روزی بیفتد

که هفت خانه به یک دیک محتاج باشند و مع الوصف، حکومت با زهم برای مردم نسخه صرفه جوئی بنویسد.

حجت الاسلام خامنه ای در اشادات خود راجع به صرفه جوئی می گوید: "غذا را متنوع نباید بخت. این یک نیساز حقیقی نیست که ما خیال کنیم که بر سر یک سفره حتماً باید دو جور پودا چند جور غذا باشد. امروز می بینیم که نان را در داخل سطل زباله توی کیسه های زباله می ریزند و از بین می رود. نان را استفاده کنید. نان تازه جزء نیازهای حقیقی نیست. نان بیات را هم میشود خورد. شما وقتی گرسنه باشید نان خشک را هم آنگنان با لذت می خورید که برای شما ممکن است از نان تازه لذیذتر بیاید"

این فرمایش حکیمانه لابد مقدمه ایست بر یک حرکت وسیع انقلابی بمنظور محو غادت مذموم طاغوتی به خوردن نان تازه فرادست که برای بررسی مضرات نان تازه سمیناری تشکیل شود و ستاد پشتیبانی جنگ به هواداری از مصرف نان خشک آبد زده راه بیامی ترتیب دهد و متعاقباً "نانوایان متعهد اعلام کنند در رابطه با مبارزه ضد استعماری امت بیباک و بیخون نشسته و برای آنکه جامعه آرمانی امام خمینی هر چه زود تر صورت تحقق پیدا کند متفقاً" تصمیم گرفته اند پخت نان تازه را تحریم کنند.

وقتی قرار شد نان تازه از زیرنا معذاتی مردم حذف شود مصرف میوه جسات و سبزیجات تازه بطریق اولی جزء اعمال ضد انقلاب و بلکه فساد در ارض محسوب خواهد شد و آن وقت دیگر مردم احتیاج به یخچال خانگی نخواهند داشت. در باره یخچال و زوائدی ازین قبیل، قبل از حجت الاسلام ریاست جمهوری آیت الله العظمی منتظری زمزمه را آغاز کرده و گفته بود: "در سمینار ششم جمعه تذکر دادم و از آریا بچراغ هم انتظار دارم به ملت تذکر دهند با چنان ننه یخچال و نه فریزر داشتند، فلاسک هم نداشتند، این تشریفات را نداشتند"

فقیه عالیقدر و حجت الاسلام ریاست جمهوری اگر اهل سینما رفتن بودند و فیلم معروف "پاپیون" را می دیدند راه حل هایی بهتر از این هم برای سیر کردن شکم و مایا زره با اسراف می توانستند پیشنهاد دهند. در فیلم پاپیون - که داستان آن هم واقعی است - دیدیم قهرمان داستان بعد از چند روز گرسنه ماندن در زندان انفرادی چگونه سوک ها را شکار می کرد و با چه ولعی آنها را زنده زنده می خورد. بگذارید چنددی دیگر بر این منوال بگذرد، مردم بدون آنکه حاجتی به موعظه و ارشاد داشته باشند خودشان خواهند فهمید چه چیزها "جزئیات نیازه های حقیقی" است و چه چیزها بی نیازی نیست!

تذکار به نمایندگان

عوام مجلس انگلیس

بقیه از صفحه ۱

با آوری می کنیم که رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس در دیدار با شاپور بختیار روینا به پیشنهاد دوی، به تحقیق و بررسی در موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی و نقض حقوق بشر در ایران علاقمند شد و کمیته پژوهش پس از یکسال تحقیق گزارش مشروح با ذکر امثال وشواهد و اسناد درمورد رذکونا گون منتشر کرد.

از سوی دیگر دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران طی تلکسی که به مطبوعات و رادیو تلویزیون های انگلیس مخابره کرد ضمن اظهار شادمانی از این پیشنهاد ادامه جنگ را نقطه اتکای رژیم خمینی دانست و گفت، مردم ایران از دو طریق، یکی ضایعات انسانی و دیگری نقض حقوق بشر توسط رژیم قربانی وضعیت کنونی هستند. دکتر بختیار افزود: "دنیا ی غرب با بیستی از هر نوع کمک، چه آشکار و چه پنهان به این حکومت ظالم خودداری کند و من امیدوارم حکومت انگلستان به این ندای مجلس نمایندگان بریتانیا، توجه کند و آرا به اجراء درآورد."

در میان امضاء کنندگان تذکارنامه پارلمان انگلستان در تحریم ارسال سلاح به جمهوری اسلامی و محکومیت این رژیم بخاطر نقض حقوق بشر، از جمله نام این نمایندگان متا هده می شود. دونالد آندرسن، سخنگوی ارشاد امور خارجه، حزب کارگر، تام پلارک، رئیس کمیته امور خارجه پارلمان از حزب کارگر، دیویدا وشن رهبر حزب سوسیال دمکرات، سر جفری جانسون نماینده محافظه کار، آن بیت، سخنگوی حزب لیبرال در امور خارجی، سر برنارد ریسن، معاون گروه پارلمانی حقوق بشر که خود این گروه متشکل از نمایندگان کلیه احزاب انگلستان است.

رادیو محلی نهضت و اشنگتن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا خدی و اشنگتن - ویرجینیا - پرلیند یکشنبه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با ماداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

دگرگونی های سریع در بازار نفت

خود را تعیین کرد ، عربستان سعودی برای حفظ قیمت ، از میزان تولید خود کاست و این روند را تا میانه سال ۱۹۸۵ ادامه داد ، به گونه ای که میزان تولید آن از ۲/۳ میلیون بشکه در روز برپا پیسه سهمیه بندی او یک ، تقریباً "به نصف" رسید (۲/۳ میلیون بشکه در روز) در این میان برخی از اعضای او یک نه تنها از سهمیه تعیین شده خود تجاوز کردند ، بلکه برای به دست آوردن بازاری بیشتر ، قیمت رسمی او یک را نیز شکستند .

به عنوان نمونه ، جمهوری اسلامی در معاملات با ایالات و دولت ها ، نفت ایران را به هر قیمتی که می خریدند می فروخت .

در اجلاس که او یک در اواسط سال گذشته برپا کرد ، عربستان و کویت که در یک جناح قرار دارند اعلام داشتند که او یک باید سهم خود را در بازار جهانی نفت نگاه دارد . معنای این سخن آن بود که عربستان می تواند برای رسیدن به سهمیه خود ، بدون رعایت قیمت رسمی ، نفت بفروشد .

عربستان ، با اتخاذ این روش تازه ، اندک اندک تولید خود را افزایش داد و با عقد قراردادهای نفتی که خطر کاهش قیمت نفت را از دوش پالایش گری برمی دارد و کشورهای درکننده نفت خام را مسئول نوسان قیمت می سازد ، به میزان فروش خود افزود تا آنکه تولید خود را به سهمیه رسمی اش ۴/۳ میلیون بشکه در روز رساند .

با این اقدام در نیمه دوم سال ۱۹۸۵ قیمت نفت سرنزولی آغا زکورد : کاهش پیدا تقریباً "همه ما درکنندگان را بر آن داشت که با افزایش تولید ، کسدرآمد خود را جبران کنند و افزایش تولید ، روند کاهش قیمت را شتاب بیشتری بخشد .

او یک آنگاه در اجلاس آخر خود از دیگرما درکنندگان نفت خواست که به عنوان ناظر در این اجلاس شرکت کنند تا بتوانند آنها را به کاهش تولید نفت تا آن مجاب کنند و این چنین عرضه و تقاضا را در بازار جهانی برابری برقرار سازد . تنها ما درکننده عمده غیر عضو او یک که از شرکت در این اجلاس خودداری ورزید انگلستان بود که رسماً "عدم مذاخله" خود را در تعیین میزان تولید نفت دریای شمال اعلام داشت . دیگران همانند مصر ، نروژ و مکزیک وعده کردند که گرا او یک تولید خود را کاهش دهند آن ها نیز چنین خواهند کرد .

او یک در این اجلاس موفق نشد بر سر سهمیه کلی سازمان به نتیجه رسد که هرگاه به نتیجه می رسید نیز در تقسیم آن میان اعضا به مشکل های حل نشدنی برمی خورد .

در این اجلاس ، جمهوری اسلامی ، لیبی و الجزایر می گفتند همه اعضا او یک باید از بهای نفت به بازار خودداری کنند تا بهای نفت از توبه ۲۵ تا ۲۸ دلار در بشکه برسد ، اما اکثریت ، رعایت سهمیه اعضا در چارچوب سهمیه کلی او یک را توصیه می کرد .

تا کامی و شکست آخرین اجلاس او یک ، بهای نفت در ایران با نوسان گذشته که کوتاه زمانی ثابت مانده

بهبود وضع بازار نفت رخ نخواهد داد . عربستان که اکنون تولید خود را به سرز شش میلیون بشکه در روز رسانده است با او یک پس از بیرون کشیدن تولیدکنندگان جز ، و در دست گرفتن بازار ، قیمت نفت را در ۱۵ تا ۲۰ دلار در بشکه تثبیت خواهد کرد . در این سطح قیمت است که می توان ندمکانی تولیدکنندگان عضو غیر عضو او یک و شرکت های نفتی بزرگ را به دست آورد .

این چنین ، اکنون با از رجهای ، سرشار از نفت است . به کلام دیگر ، روزانه دو میلیون بشکه اضافه بر تقاضا به بازار عرضه می شود . این میزان نفت به مصرف بازاری ذکا بر نفتی شرکت های بزرگ و دولت ها می رسد . شرکت ها در حدود سه میلیارد بشکه ظرفیت ذخیره سازی دارند و کشورهای صنعتی نیز معمولاً برای مصرف یک صد روز خود ذخیره نگه می دارند . وجود این ذخایر نفتی درخور ملاحظه ای در پیش گیری از افزایش قیمت دارد .

برخی از کارشناسان معتقدند که سطح کنونی قیمت نفت ، به علت فشار رشیدی که بر همه اعضا او یک به ویژه بر جمهوری اسلامی ، لیبی و الجزایر وارد می آورد ، آن را سرانجام به نقطه ای خواهد کشاند که همداستان شوند و تقاضای خود را در تولید کمتر و قیمت بالاتر بیاورند ، اما کارشناسانی که چنین نظری داده اند ، هنوز از میزان شعور و منطق دولت ممبران رژیم اسلامی خبر ندارند و فکر می کنند قیمت مرگ خود ، به دیگران زیسان و آسیب برسانند .

سیاست نفتی جمهوری اسلامی از آغاز در جهت عکس سیاست اکثریت کشورهای او یک حرکت کرده است . وقتی قیمت نفت در آغاز سال ۱۹۸۰ به سی و چند دلار در بشکه رسید رژیم جمهوری اسلامی کوشید برای بهره برداری کامل از این افزایش بی قاعده و بی پایه ،

کشورها و کشورهای چون اندونزی و نیجریه ، با سقوط بهای نفت ، قادر به بازپرداخت وام های خود نیستند . گرفتاری های که بر شرکت های نفتی برای کشورهای صنعتی پیش می آید ، به مراتب کمتر و سبک تر از گرفتاری های آن گروه از اعضای او یک است که بخش بزرگ درآمد ارزی آن ها از محل فروش نفت به دست می آید . در این میان ، تنها عربستان سعودی و کویت ، مشکل ارزی قوی ندارند . عربستان ۸۰ میلیون دلار ذخیره ارزی دارد و کویت از محل سرمایه گذاری های صحیح و منظم ، درآمدی بیش از درآمد نفت به دست می آورد .

خطر هنوز تنها می چهره ، خود را نشان نداده است : برخی از کارشناسان می گویند که قیمت نفت ، روند نزولی خود را حداقل تا چند ماه دیگر ادامه خواهد داد و به پنج دلار در بشکه خواهد رسید .

نفت بشکه ای پنج دلار ، از یک سو ، شماری از تولیدکنندگان را که هزینه تولیدشان بالانسبه گران است ، از میدان بهادر خواهد کرد و از سوی دیگر ، باعث خواهد شد که نفت به جای گزری در دیگر مواد نسوزی را شود و میزان مصرف آن افزایش پذیرد .

این کارشناسان می گویند علت گسترش اقتصادی جهان در دهه های پس از جنگ جهانی دوم ، با این بودن وثاب بودن قیمت نفت بوده است و در اثبات نظر خود ، این نمودار را عرضه می دارند .

بود کاهش داد ، به گونه ای که در روز چهاردهم ژوئیه ، نفت دریای شمال در برتردام به ۸/۵ دلار در بشکه معامله شد که نازل ترین قیمت نفت در سیزده سال گذشته بود .

با کاهش بهای نفت از سال گذشته ، همه شرکت های نفتی بزرگ و کارشناسان و پژوهشگران و معامله گران بورس های بزرگ به پیش بینی میزان وسرعت این کاهش و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد جهان پرداختند .

با آن که برآوردهای کارشناسان به دلیل وسعت و پیچیدگی موضوع ، هماهنگ و همخوان نیست ، همه آن ها برای این نکته اتفاق دارند که از نانی نفت ، اقتصاد جهان سوم را بهبود می بخشد ، زیرا جهان سوم می تواند با مبالغی که از این طریق صرفه جویی می کند ، به توسعه صنعتی و خرید کالاهای صنعتی و خدمات فنی بپردازد . این عامل ، بازرگانی جهانی را رونق می بخشد که البته سهم عمده سود آن نصیب کشورهای صنعتی خواهد شد . هنوز نشانهایی از رونق به چشم نخورده است ، اما کس قدر قدرت خرید کشورهای ما درکننده نفت به ویژه در خلیج فارس ، تا شیب قوی و مستقیمی برسد و کالاهای صنعتی غرب مانند جنگ افزار به این کشورهای گذاشته است .

در میان کشورهای صنعتی ، ژاپن ، آلمان ، فرانسه ، ایتالیا و کره جنوبی که نفت ندارند بیش از همه از کاهش بهای نفت سود برده اند ، اما انگلستان

و آمریکا به عنوان مصرف کننده و تولید کننده وضع دیگری دارند . موازنه بازرگانی خارجی انگلستان که در چند سال اخیر به علت فروش نفت گران ، مثبت بود ، در دو ماه گذشته منفی شد و با کاهش شدید بهای نفت دریای شمال ، لیره استرلینگ در کمترین یک هفته ، سه درصد از ارزش خود را از دست داد .

در آمریکا با کاهش قیمت نفت ، بسیاری از جاهای کم تولید بسته شده است ، بسیاری از کارکنان صنایع نفت ، کار خود را از دست داده اند ، بر شما شرکت های تولید و خدمات نفتی که به نقطه اش و ریسکتگی می رسند ، هر روز افزوده میشود و بانک هایی که به صنایع نفت و گاز و فعالیت های وابسته به آن ، وام های هنگفت داده اند ، اکنون گرفتار مشکل های بزرگ شده اند و یکی دو بانک کوچک در ایالت های نفت خیز ، خود را ورشکسته اعلام کرده اند .

در این میان ، سرنوشت وام های بانک های آمریکایی به کشورهای بی چون مکزیک و نروژ و کوبا که به چند ده هزار میلیون دلار می رسد ، مبهم و نامعلوم است . این

و خشاب و فشنگ .

گفتن ندارد که از این چهار موضوع کدام یک بیش از همه ذهن جوانان را به خود مشغول می دارد و کدام یک ذهن سردمداران جمهوری اسلامی را نیز مشغول نگه دارد که در جمهوری اسلامی کدام یک از این امکانات برای جوانان فراهم است . جوانان آیا امکان آن دارند که از حداقل وسایل و سایر ورزش برخوردار باشند؟ آیا آموزش آنها رو به راه است؟ و سرانجام آیا کوچکترین نشانه ای از جنبش برای آبادانی و سازندگی به چشم می خورد؟

در این میان تنها امری که جمهوری اسلامی با تمام قوا امکان یافته است آن را قهرام می آورد ، همین است که از هر جا که شده اسلحه فراهم آورد و آن را به دست جوانان و نوجوانان بسپارد و سپر آن ها را ، بدون برخورداری از حداقل لازم آموزش رزمی ، روانه میدان های جنگ گرداند .

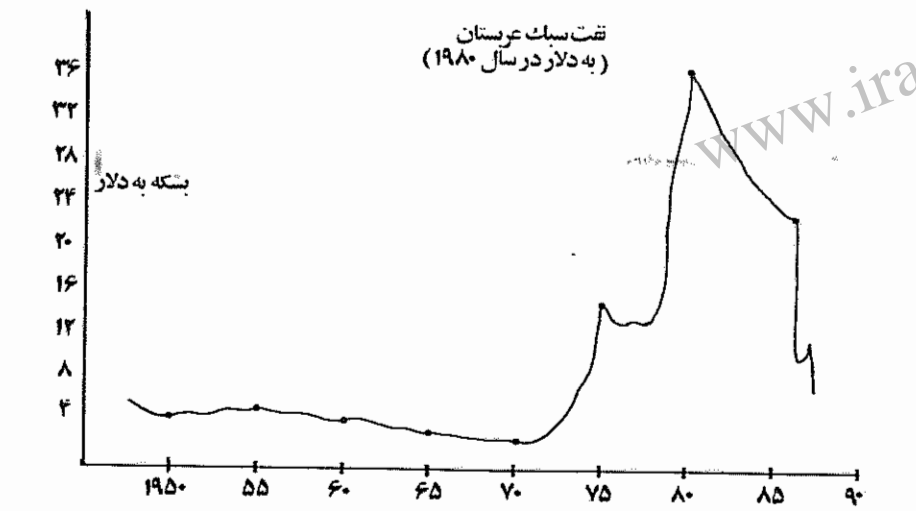
مانمی گوئیم ، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که امروز صنعت و کشاورزی ، بویژه کشاورزی ، به روزی افتاده است که فقط درصد بسیار ناچیزی از نیازهای مردم کشور را می تواند برآورد . چرا به آمار و ارقام بپردازیم . هر جا نمخندار ، هر جا آوارخانه که برای تهیه ابیتدائی ترین نیازهای خانواده به

با زار می رود و برمی گردد ، این را همه روز به روز زار همه احساس می کنند ؛ اگر با دست های پر برگردهد ، با بیسند کیف پولش از اسکناس های درشت خالی

شده باشد ، ولی چون دیگر اسکناس درشتی برای خانواده های باقی نمانده است ، ناگزیر با دست های تقریباً " خالی بر می گردد . آیا در چنین کشوری کارهای آبادانی و سازندگی انجام می گیرند؟ اگر آری ، گو آن نعمتی که با یسد از آن برخیزد؟ اگر آری ، این گرانی هولناک و قحطی تهدیدکننده زکجاست؟

مانمی گوئیم ، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که ورزش امروز در کشور فقط تنها مانده ای است از آنچه روزی وجود داشت و آن هم دور از نگاه های وحشتناک کارگردانان سیاسی رژیم دارد به زندگی ادامه می دهد . رژیم که از فوتبالی می ترسد ، رژیمی که این پربیننده ترین و هیجان انگیزترین و متحرک ترین ورزش ها را مرده و بی تماشاگر می خواهد ، چگونه به خود جرات می دهد که اساساً از ورزش دم بزند؟

مانمی گوئیم ، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که سطح آموزش و پرورش تا چه پایهای فرو افتاده و بنساز شده است ؛ آموزش را می مجرب ، اما استخراج شده و بیکار ، کلاس های پر اما بی آموزگار ، همین چند روز پیش بود که عباس شیبانی نماینده مجلس شورای اسلامی در یک



قیمت سبک عربستان (به دلار در سال ۱۹۸۰)

حدا کثر فروش را بکند ، غافل از آن که دلیل صعود قیمت ، آشفتگی ایران انقلاب زده و در نتیجه ، همگراس مصرف کنندگان از کمبود عرضه است .

بقیه در صفحه ۱۲

سخنرانی پیش از دستور گفت که معلمان به مدارس جنوب شهر تهران نمی روند و به این پر جمعیت ترین ونیا زمندترین نقطه تهران تنها معلمانی را می فرستند که به خواهند آن ها را تبعید کنند . شمار دانش آموزان پشت کنکور مانده کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کند ، شمار جوانان و نوجوانانی که در جستجوی امکانات آموزشی خود را به آب و آتش می زنند بلکه بتوانند در دانشگاهی در هر جای جهان که شده اند منویسی کنند ، کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کند . تنها چیزی که رژیم مانع آن را فراهم نمی آورد ، جنگ است که جوانان معلمان نمی خواهند ، حال آنکه سرمداران رژیم آن را می خواهند . جوانان ونه تنها جوانان که پدران و مادران ، امروز از هیچ چیز به اندازه جنگ وادامه دهندگان آن بیزا رنیستند ، پنهان جمعه جوانان را باید نخست از آموزش و ورزش و سازندگی خالی کنند تا بتوانند فتنه و مسلسل در آن بگنجانند . امروز در ایران هیچ چیز منفورتر از جنگ نیست . برای نفرت از جنگ اگر هیچ کدهوام رژیم خمینی بسته به ادامه آن است . از جمله به همین دلیل است که مردم در برابر جنگ مقاومت می کنند ، همچنان که در برابر همه آنچه دلپسند این رژیم است ، مقاومت بخرم می دهند .

جوانان

مقاومت می کنند

به تا زکی در جمهوری اسلامی تمبهرائی مخصوص جوانان چاپ شده است . در حاشیه سفید این تمبهرها به زبان انگلیسی ، ونه فارسی ، نوشته اند : روز بین المللی جوانان .

اما آنچه بیشتر جلب نظر می کند ، حاشیه تمبهرها نیست ، متن آن است که هر بار به موضوعی اختصاص داده شده است . موضوع تمبهرها عبارتند از : جوانان و آموزش ، جوانان و ورزش ، جوانان و سازندگی و سرانجام : جوان و دفاع مقدس . در یک جا در جمعه ، جوانان قلم و دفتر و کتاب بنهاده اند ، یعنی کسه جوانان در ایران امروز سرگرم آموزشند . در جانی میل زورخانه و دوچرخه و وسایل ورزشی دیگر تا چنین القا شود که جوانان در ایران امروز به ورزش های سنتی و مدرن هر دوروی آورده اند . در جای دیگر نوشته گندم و چیزی هم شبیه داس و چکش گذارده اند یعنی که جوانان در راه آبادانی کشوری کوشند .

اما شاه بیت این آرمها مربوط می شود به جوانان و دفاع مقدس . در این تمبهرها در جمعه جوانان مسلسل است

دو آستانه يك دگرگونی

مهران طبری

مسافری که به تازگی از ایران آمده بود، میهن ما را مانند دینا می دید که هر روز جای دیگری از آن ترک برمی دارد و می شکند و فرومی ریزد. می گفت مردم آرزوی کنندگی دست کم امروزشان مثل دیروزشان باشد و فردایشان مثل امروز. حال آنکه چنین نیست، بلکه امروزشان از دیروز بدتر، و فردایشان بدتر از امروز است. می افزود: زندگی فقط یک تکرار کسالت با نیست، بلکه حرکتی است از بد به بدتر. اگر دیروز خاموشی برق که در این گرمای طاقت سوز، وسایل خنک کننده را از کار می اندازد، از روی برنا مه صورت می گرفت، امروز بدون برنا مه صورت می گیرد و فردا ممکن است شما می وسایل خنک کننده را از کار بریندازد. آن هم در حالی که وسایل بدگیر نمی آید، در حالی که هزینه تعمیرات مدام سنگین تر می شود.

می گفت اینکه امروز در ایران می گذرد، زندگی نیست، یک کابوس تکرار شونده است. شما روزها از خون خودکشی همسایه ها، سکت های قلبی و اعتیاد، خاصه در میان جوانان، گودال مخوفی است که هر روز غنچه های شکفته پرپر می شوند و در آن می ریزند.

خصوصی ترین زاویه خانه یا مدرسه و به ویژه جوانان را زیر نظر داشت تا مبادا بپندارند در جمهوری اسلامی جا می هست که می توان در آن به اعمال ضد انقلابی پرداخت. و این همان به اصطلاح "حاشیه امنی" است که در همه دیکتاتورهای موجود دارد، مگر در جمهوری اسلامی که از این حیث به واقع بدترین دیکتاتور تاریخ است.

این حکومت اسلامی همان حکومتی است که خمینی گفت مردم برای رسیدن به آن انقلاب کردند. خمینی گفت مردم برای نان و خربزه انقلاب نکردند. راست گفت، مردم نان و خربزه اشتند و انسان برای چیزی که دارد، انقلاب نمی کند. خمینی افزود مردم برای اسلام انقلاب کردند. آن وقت که او این حرف را زد، هنوز تکلیف این حکومت خود را تمام قد نشان نداده بود. اما امروز با هزاران جلوه کربیه بیرون آمده است.

بیرون آمده است تا نشان دهد مردم برای نان و خربزه انقلاب نکردند، بلکه انقلاب کردند که آب و برق نداشته باشند، که بچه هایشان شیر خشک نداشته باشند، که تراخم و کجلی وسایل کسب ریشه کن شده بود، برگردد و چگون و واگیرد راست، همه گیر شود. به بیگ کلام: انقلاب کردند تا همه آنچه را که داشتند از دست بدهند و هیچ یک از آنچه را که آیت الله مدام وعده داده بود، بدست نیاورند.

و امروز اگر کسی آستین یکی از این زما مداران را بگیرد و بپرسد که: آن وعده ها چه شد؟ بیدرتک یک دست سرکوبگر را با لای سر خود می بیند. اما در عین حال خود رژیم نیز می دانند که سرکوبگری حدی دارد که اگر از آن گذشت، دیگر تانک و تانک های خود را از دست می دهد. ترس مردم که ریخت، رژیم هرگز نمی تواند سرکوبگری را به نحو هوسناک افزایش دهد تا ترس دوباره بر دلها بنشیند. این یک نقطه عطف و یک تحول تعیین کننده در رابطه خصمانه میان مردم و دولت است.

می گفت در بدترین دیکتاتورهای تاریخ همواره یک "حاشیه امن" وجود داشت و دارد که مردم با پناه آوردن به آن می توانستند از کزند حکومت خودکام تا حدی مصون بمانند. منظور او از این "حاشیه امن" محدود ماندن به زندگی خصوصی و کاری به کار دولت نداشتن است. یعنی اینکه در دیکتاتورهای معمولاً اگر کاری به کار دولت خودکام نداشتن باشد، دولت هم به توکاری نداد و در نتیجه می توانست دست کم زندگی خصوصی ات را همان گونه که دلخواه توست، بسازی.

وی می افزود اما در جمهوری اسلامی چنین نیست، اگر هم کاری به کار دولت نداشتن باشد، دولت با توکار دارد، زیرا ایدئولوژی رسمی و حاکم هیچ قلمرویی را از تقدیر خصوصی نمی شناسد که بماند دست اندازی و تجاوز نکند.

او سخنان حجت الاسلام رهبر "رئیس دایره عقیدتی - سیاسی" سازمان تبلیغات اسلامی را مثال آورد که گفت در اسلام زندگی خصوصی وجود ندارد و در نتیجه چشمه ای مراقب حکومت باید باشد. همه جا افراد را زیر نظر داشته باشد. "سازمان تبلیغات اسلامی"، جا می است که مغز، یا به عبارت درست تری مغزی تبلیغات رژیم در آن فرماده می کنند. این سازمان رئیس دایره ایست نام حجت الاسلام رهبر که می گوید در کوهستان، در دریا، در دشت، آری حتی در

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۱۲ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: _____

Nom: _____

نام: _____

Prénom: _____

آدرس: _____

Adresse: _____

نشانی بستی شاخه های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MÜNCHEN 12
W. Germany

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA

NEHZAT
PB. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND

A. CH
APARTADO CORREOS 50-12
MADRID SPAEN

NAMIR
PB. 1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA

A. R. CASELLA
POSTALE 601
00187 ROMA
ITALIA

توجه لازم

تمنا دارد نشانی اشتراك را به آدرس
فصلنامه ایران ارسال فرماید. نامه های
که به آدرس حساب بستی با بانک
فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

بزرگداشت سالروز سی تیر

روز جمعه بیست و پنجم ژوئیه ۱۹۸۶ در
محل "خانه ایران" در شهر وین مراسم
بزرگداشت سالروز "سی تیر"، روز قیام
ملت ایران در پشتیبانی از دکتر مصدق،

رهبر کبیر جنبش ملی، برگزار میشود.
شاخه نهضت مقاومت ملی ایران در تاریخ
که این مراسم را برپا می نماید از
هم میهنان عزیز دعوت می کند تا با شرکت
در این بزرگداشت، همبستگی خود را
با نیروهای ملی و مبارز و ضد استبداد به
نمایش بگذارند.

جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

با افزایش عرضه، طبعاً "قیمت کاهش یافت و رسماً در ۲۹ دلار در بشکته تثبیت گردید و سپس به قدمتی دل ننگه داشتن عرضه و تقاضا، برای اعضا سهمیه تعیین شد تا قیمت رسمی حفظ شود.

جمهوری اسلامی، بی درنگ، هم از سهمیه خود تجاوز کرد، هم به قیمت رسمی واقعی نگذاشت. سپس قیمت رسمی به ۲۵ دلار در بشکته تنزل داده شد تا با قیمت بازار آزاد تناسب بیشتری یابد.

جمهوری اسلامی در این زمان نیز ضمن اعتراض به کسر قیمت رسمی، عملاً قیمت جدید را شکست و اگر توانایی فنی می داشت، از سهمیه خود افزون تر تولید می کرد.

سرانجام، خواب های طلایی به کابوس بدل شد و اکنون که در شروع همکاری رژیم اسلامی با دیگر اعضا، او یک سهمیه سازمانی در هم ریخته و بی اثر می ماند و در شرایطی که دیگر نه قیمت و نه سهمیه مورد توافق اعضا است، آخوندها خدعه دیگری پیش آورده اند، می گویند با بستن شیرهای نفت، می توان قیمت را به ۲۸ دلار در بشکته بازگرداند. با این خدعه می خواهند فکا رعمومی را در ایران دیگر باره فریب دهند و خریداران را در

بازار نفت

بازار جهانی، دچار هراس سازند. این پیشنهاد دخیله گرانه زمانی مطرح می شود که در میان اعضای اوپک، جمهوری اسلامی بیش از همه به درآمدهای ارزی نیا زدا رد. پس چگونه می خوا هد به دست خود، شاهرگ حیات خویش را، حتی موقتاً قطع کند؟ تقاضای میان گفتار و کردار رژیم اسلامی، خاصه در قلمرو نفت، آشکارتر است. از یک سو به شیوهی التماس آمیز و با دادن تخفیف های اساسی، در بیدار، مشتری جستجویی کند و از سوی دیگر، پیشنهادیستن شیرهای نفت را می دهد. وزیر نفت رژیم، در حقیقت، در منبر اوپک، بیگ جلوه می کند و در خلوت معامله، کاری دیگر.

به هر روی، کاهش درآمدهای نفتی، رژیم اسلامی را در تنگنای دشواری افکنده است. در بدو دهه سال ۱۳۶۴ در آمد نفتی، ۱۸ میلیارد دلار پیش بینی شده بود، اما بیش از ۱۲ میلیارد دلار،

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE



ایران هرگز نخواهد مرد